

قائم مقام و سید جمال الدین بود یکی را بدان خواری کشته و دیگر را بدایف اقتضاح و رسوائی که هیچ قصی الفلبی نمی پسندد از ایران خارج و سپس به خذلان و میرانش پرداختند و هزاران هزار دیگر که طعمه شمشیر ساخته و چه ظلم و پیدادی نه بود که بر سر آنها وارد ساختند؟ دیروز بود که آتش آشوب خرمین جان سوز شهید رابع و سید احمد معین الاسلام گردیده آنها را به انعدام فوری دو چار کرد

میفرمایند نزدیک بود این افساد منجر به دو چار نمودن مملکت اسلامی بمخاطرات صعب العلاج کند - میفرمایند آیا هیچ مخاطره بدتر از تسلط این مشت درباریان بی ایمان صعب تر و هیچ سوء استقبالی بدتر از مخالفت شخص سلطنت با قوانین اساسی مملکت توان بود؟ میفرمایند سلطنت ایران را نیاکام قیمت جان و قدرت شمشیر بدست آورده اند - نمیخواهیم در شعبات جزئیة تاریخی داخل گردید کذب این قول را برسانیم ولی میگوئیم این خود حرفی است که مخالف با قانون اساسی است زیرا سلطنت و دینیه است که از طرف مات به شخص سلطان واگذار گردیده است

سایر فرمایشات را بهین قیاس کنید، فقط باید گفت که این تلگراف در حالت اضطراب نوشته شده و بدخترانه و آتش جندان بنکات الزامه آن بی نبرد و بجای آنکه اثبات حقیقی نماید راه الزام باز گذارده خدا طواهاج که نفوس ما را براه خیر هدایت کرده عاقبت مملکت و مات اسلامی را بخیبر نماید

عبدالباقی (مجهل بار) کراچی

جبل المتین

مخبر محترم این تحریر چه از طرف آن فاضل تحریر رسیده بود نگاشتیم، بدانند که زحمت بی فائده کشیده اند چه پنج ر بعد از انتشار این تلگراف واقعات طهران بر از روی سرائر و مکنونات برداشت و جای شبهه به احدی باقی نگذاشت، این سخنان از صد سال پیش طرف برای گول زدن عوام جاری بوده و خدا بابتیک بوسیده است که شاه تازه نموده اند، شاهنشاهی و امیرمادر و امثال آنها مسلمان را سخی عقیده اند ولی علمای عتبات و ایران و حجج اسلامیه طهران الیه باقی فایده عقیده و مجلس مقدس و مسجد

سپهسالار بخانه میباشد، در عوالم بلبلیک اینگونه خلیلی گفته می شود، هزار و دویست و نهصد و بی قبل در وقته کربلا درباریان یزید بجمع بلاد اسلام چنین اعلام دادند (خرج خارجی علی یزید) و چون کشف راز شد و برده از روی کار بر افتاد علی رؤس الاشهاد گفت

(لعبت هاشم فی ملک ولا * خبر جاء ولا وحی نزل)

اینک که برده بالا افتاد هزار نفر مسلمانان بیگناه

از دم تیغ میگذرد، کرنل روسی حجج اسلامیه گرفتار می نماید، بر ناموس ملت رحم نمی کند، کرورها اموال بیگناهان را غارت می کند، افسر روسی حاکم مطلق بر مسلمان می شود، نایب السالطه سلطنت اسلامی مقرر می آید (هنوز از نتایج سحر است)

اگر بر خیز خود به شدند و بمقصود خود نائل آمدند آتشی، جمع بلاد افروخته شود که دودش چشمه سبید را تیره و تار نماید

هفته گاه نوشتیم که حالا دیگر مقام رأی دادن نیست به هر از رأی و صلاح گذشته خصوصاً برای ما که ساکنان میل دور از ایرانیم تمام بسته به حیثیت ایران است، واقعاً اگر مثل مال سازه حیثیت نگاهداری حقوق مشروعه خود را دارند سر از با نخواهند شناخت، آرام نخواهند گرفت، راحت را بر خود حرام خواهند کرده، جان و مال نزد آنها قرب و تقدیری نخراند، دست ناوقتیکه بمقصود خود نائل گردند، اگر تمام اظهار نشان زبانی و آن همه بیانشان خود نمائی محض بوده است تمام آن عوالم را فراموش نموده و ازین يك تیر از میدای بدر رفته با کمال طوامونی طوق عبودیت بگردن خواهند انداخت، و سخنان اروپائیان را بر خود هموار خواهند کرد که این قوم شایسته مقام منبع آزادی نبوده و نیستند، شاید این الزام برای اهل غیرت سختی از جان دادن کمتر نباشد با این همه عقیده ما درباره هموطنان خودمان همان است که نوشته ایم، یعنی دارای حیثیت نگاهداری این سعادت هستند، حاشا و کلا که بدین آسانی از دستش بدهند چنانچه اهالی شمال ایران یعنی غیوران گیلان و آذربایجان این حیثیت را ظاهر داشته اند

۱۳۷۶ - ۱۳۷۷
مبارکة محمدیه بهارستان

وطني در خطر است

(علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد)

حاضر ارباب اطلاع و دانشمندان ملک مستحضر است که هر ملتی از ملل متقدمه عالم چون از ظلمات جهالت قدم بر صراط نورانی نهد نهاده و از خواب سر برداشته و در اخذ حقوق خود پای مریدی بیدار نشاند و بجز حفظ وطن عزیز خویش اقدام از ایشان و جان دریغ ننموده تا نام نیک خود را زین تواریخ نمود و سر افتخار برفرق فرقدان سود و هر ملتی تاریخ هیئت جامعه اش مقدم بر تواریخ سایر ملل میسر و اصطلاح از جهت قدمت نجیب تر و اصیل تر از دیگران باشد در مواقع سخت بیشتر جالب نظر امتحان بزرگان عالم خواهد بود، این معنی که سرا یا چشم گشته بچنین مانع نگردد تا به پند بتکلیف وطن برسی تا چه حد عمل کند و اصالت تاریخی و شرافت سی خویش را تا چه چه حال سازه نشان بدهد، و آیا برای حفظ ناموس و عزیز و خریدن حیات جاوید قسمی از دارائی خود را خواهند کرد و محض تحصیل نام نیک از جان عزیز خود گذشت، یا فقط همان تقدم سی و اصالت تاریخی دل را حشر خوانده در مقام رجز خوانی و دعوی وطن برسی خویش را سر آمد ملل عالم می شمارند و مانند برخی بجای مدرسه قدیم هندوستان باستانخوان بوسیده اجداد خود افتخار هسته و از عدم حیت و فقدان حس وطن پرستی وطن مالوف خود را اسیر جنگ اجانب می سازند و از بذل جان و مال که مسلماً در زوال است مضایقه کرده خود و احفاد خود را هدف سهام (ضربت علیهم الذلّة والمکنة) مینمایند

ملات فرانسه که تاریخ هیئت اجتماعیه اش از دو هزار سال و مدت سلطنت و مدبش متجاوز از هزار سال نیست بمحضیکه سر از خواب غفلت برداشت و بخيال آزادی و استقلال ابدی خود اقتصاد دارائی خود را از دست بداد و جان عزیز بر کف نهاد حق

۱۳۷۶ - ۱۳۷۷

تسلیم داشته بول مسکوک نمود و در راه خمین آزادی و حفظ ناموس وطن صرف کردند و علاوه بر یازده کرور نفس که در هیجان داخله جان دادند بمحض شنیدن يك كلمه مهیجه (وطن در خطر است) کرور ها قدم جلالت بیدان کلیه دول متدبره اروپ نهادند و قوه مایه و غیرت وطن برسی يك تنه چندین دولت قوی چه را پشت بشکستند بل از خاک آنان را هم منصرف شدند

پس وظایف اصالت ما ملت ششمزار ساله است خود را بر عالمیان پیش از ملت فرانسه ظاهر سازیم و زاید بر آنها درین راه جان و مال بازم تا بدانند هر کس در قدمت تمدن از دیگران بیشتر است جان باری در راه وطنش بیشتر است یا اقلاً میبایستی بقدر عشر آنها در پیشرفت مقاصد خود فدا کاری نمایم و تا اندازه ره چنان رویم که ره روان رفتند

هر چند بتأییدات حضرت امام عصر عجل الله فرجه و اقدامات غیورانه و خدمات جوان مردانه این ملت نجیب اصیل حتی القوم ساکین این خاک از پای نشسته و در مواعع بسیار باریک غیرت و حیت و نجابت خود را باهل عالم ثابت ساختند و تمام ملل دنیا معلوم نمودند که ابرائی در مقابل آزادی و اعاده شوکت و مدار ساقه و حفظ وطن عزیز خود دست از جان و مال بشوید و جز طریق شرف و افتخار نمی پوید

و عاز خورده پنهان عالم را دیده بسوی ما است که به پند اقدام غیورانه خود را چگونه بانجم میرسانیم و ایمنای عالی را که پایه اش را نهاده ایم بطور بیابان خواهر برد و الان بدان موقع باریکی رسیده ایم که ممکن است ای استقلال ما بیباید خراب گردد و حیثیات ملیت ما بپذیرد، لکن اگر موقع را از دست بدهد (حب الوطنین الایمان) را هرز جان سازیم هیئت جامعه وطن عزیز خود را بجزئی همی چنان محفوظ توأم داشت که نام را در عالم به نیکی برند

این مسئله متفق علیه تمام دانشمندان و عاقلان است که فقط چیزیکه مسلماً بهانه بدست اجانب خواهد داد و در کمال سهولت قدم بخاک پاک ما نوانند نهاد

افتشاش و عدم تأمین داخله مملکت ما است. اگر اهالی قدیم مصر مانده و دانا می بودند و از ایشار مال حق القوه مضایقه می نمودند و با تمام قوا از افتشاشات داخله جلو گیری میکردند هرگز دولت انگلیس با هم حیات اتباع خود یا بسپاه دیگر ورود بدف حمله نمیکرد و رایت امتداد امدی در آن دیار می افراخت و اولین ملت متمدن عالم را دلیل و زیور خود نمیساخت. اگر ملت (مراکش) به تأمین بلاد خود میپرداخت و از عتبار سرحدی خود جلو می گرفت و نمیکذاشت نخطی بخاک همسایه بماند و سوء قصدی نسبت بخارجیان نکند توپ های فرانسه گروه گروه آنها را بخاک هلاک می اوکند و سلطان عبدالعزیز بن پرور را که جز عیش و نوش چیزی از علم جهان داری فرا نگرفته در ششدر حیرت ملت می گذاشت بلی همین ناامنی و افتشاش داخله است که رقبای ما را به پیشرفت مقاصد خود امیدوار میدارد. همین بلای علاج پذیر است که اگر آنی غفلت نمانم بدردی غیر ممکن العلاج گرفتارمان می سازد

اگر ما ملت نجیب شش هزار ساله را قوه ملی و فدا کاری بآن درجه نباشد که تأمین داخله مملکت خود را فراهم ساخته و بهانه نخطی باجانب ندهیم مسلمانان رقبای ما رفته رفته چیره شوند که ما را هوای و برستی در سر و عشق آزادی و استقلال ابدی دل نباشد. خدای نکرده سخن از موهوم میگیا و از نوای اشتز بسته از عالم غیب استمداد و استمداد میجویم و آب در هاون میسایم و ماد بیخبر بگیرییم. پس بر ذمت محاسبت و وطن پرستی ما. من است که دست از خوردن و آشامیدن کشد در کمال عجز و بدون لحظه فوت وقت از طریق بتوایم و بهروسیه که بهتر دانیم بتأمین داخله ما برداریم تا فردا بمانی جانگاہ بر نخوریم و به ما بنیان کن گرفتار نشویم که ریشه استقلال ملیت را از پیخ برکنند و هیئت جامعه ما را چنان پراکنده سازد که دیگرش جمع نتوان ساخت و کوس بی ما بر سر بازارها نگوبند و بطعن و طنز زخم بند. احفاد (داریوش) کبیر که نیخ سر افشاش سرهای تاج داران بی تاج داشت و بر سلاطین عالم خراج

نامی از هیئت جامعه آنان در عالم نبود و اولاد (سیروس) که هنوز نام نیکش ضرب المثل بزرگان عالم است بواسطه تعالی و تکامل جنات خویش را دستخوش مقاصد احباب ساختند که در عالم اسابت دیگر نامی از آنها برده نخواهد شد. پس خوب است بخوابگاه احداث و نیاکان خویش که شیرزیان از هیئت تیغشان بر خود میبرزید نظری نگینیم و بر دخت (اگر در سر) و (شاپور) (طراس) که خاک بر سر هند و مقدونیه و مصر هنوز از خون میتوانیم حارا شکفتار کلکون لحظه سگریم و سپس بد اسروره خود عطف نظر کنیم که کجا رفت آنرا کسی و ایت و چه شد آن مردی و شاه آنها چه بودند. که ما نیستیم و آنان چه کرد. که ما نتوانیم کرد. نه. (شیر را هم ماند بدو)

چنانکه قصه درین و آخر بر سه ایام معلوم ساخت که بعد آنکه سلاطین خود خواه بن پرور مادان مملکت بران را از کف دادند و دشمنان از هر سو قدیم خاک پاک دیدار ملت ابرو هست و دانی ملک خود را مسترد داشتند و تا هند و برای عرب و قفقاز برای مردانگی و جلالت بپردند اکنون نیز وقت آسب که غیرت و حریت خود را ر طلبان بنام و چون اولیای دولت شاه سلطان حسین صفوی از اقدامات سریمه غفلت نورزیده علاج واقعه قبل از وقوع نمانم تا فردا بر انگشت بدامت بدندان سگریم که گفته اند

(سر چشمه بتوان گرفته و بیل)

(چه بر گشت سوار گذشتن و بیل)

و هرگاه بخواهیم باز بجهت تحصیل امیدت داخله کار را باخطار بوزرای عظام حوالت کیم و انجم این امر مهم را که مستلزم نخطی و ریب الوقوع اجاب بوطن عزیز ماست از قوه اجراییه طلبیم این قافله میجویم بمنزل نخواهد رسید. یا در جواب عبارت بی اصل (اقدامات مجدانه خواهد شد) خواهیم شنید یا بعضی مواعع را پشهاد ما خواهند ساخت که بار رفع آنها موکول بهمت و توجه ملت خواهد بود. پس بهتر است که ما خود قبل از وقت همت سگریم و ناامنی

در سایر موارد پر داریم ، و این مسئله هم مسلم است که امنیت داخله میسر نشود مگر به تهیه و تجهیز عساکر منظمه ، و تهیه قشون هم منوط است بتدارک پول ، و پول هم فراهم نشود جز بوصول مالیات ، و وصول مالیات هم ممکن نشود مگر بیک عده قشون منظم ، پس این مسئله مورد و تسلسل پیدا خواهد کرد ، پس تهیه پول عیالناً مورد نگرانی مگر باطریق یا بطریق دیگری که

در صورت انجمن محمدیه بهارستان با کمال احترام از تمام انجمنهای محترمه دارالخلافه تقاضا مییابد که هر یک یک نفر از اینهمه آگاه غیور انتخاب فرموده روز دوشنبه صبح جمعی اولی چهار ساعت بتروپ ماده با تفرقه مخصوص و رای من خودشان بانجمن محمدیه بهارستان واده در خیابان رسیدنگارستان کسبل فرمایند ، که در اینخصوص عتماً از مذاکرات آرای خود را اظهار فرموده و با اکثریت آراء طلب خود را که مقصود اصلی از تأمین داخله و حفظ حداتست بمجلس مقدس شورای ملی شیده لته ارکاه معرفی داشته با تصویب نمایندگان محترم ملت مجامعی تشکیل داده تمام شعب ملت از عالی و دانی و رجال دولت که پیش همه تبریک درین آب و خاک اند دعوتی عمومی نموده درین باب گفتگو نمایند تا بطریق اطافه یا بطریق دیگری که اسهل و انفع شایرد و با اکثریت آراء تصویب نمایند بدینصود مشروع که اقدام و تمام اموراتست نایل و بهره باب شویم و الا

(یا به تشویش و غصه تن بدیم)
(یا جگر بند پیش زانغ نمیم)

و نیز بجهت پیشرفت این امر مهم پس از تصویب انجمنهای محترمه لارم است از مجلس مقدس شورای ملی درخواست نمایم اولاً بانجمنهای رسمی و غیر رسمی ایالات و ولایات و عموم مات غیور وطن پرست ملک محروسه حدوث حوادث قریب لوقوعی را که ر عدم امنیت داخله بمرصه ظهور خواهد رسید تنگرافاً اخطار فرمایند که غیرت اسلامییه و حمیت ملیه خود را درین موقع باریک بروز داده حتی التوه بطریق اطافه یا هر طور رای داده شد رایجی انجام این امر کک و همراهی نمایند ، ثانیاً خاطر خطیر مقدس حجج اسلامییه

مقیمین عذبات مالیات را از اینهمه آگاه نمایند تا چنانکه تکالیف پیشوائی و مقتدائی ایشان است بجهت حفظ بیعت مقدسه اسلام بتلکرافات لارمه قاطبه مات را در همراهی و فداکاری درین راه از اطافه و غیره ترغیب و تشجیع فرمایند ، ثالثاً وکلای ایالات و عشایر را چنانکه امر مطالع مبارک حجج اسلامییه بارها بر احضار آنها شرف اسدار یافته بزودی خواسته جلب بمقر خلافت نمایند تا هم درین امر مهم که کی نمایند و هم بنیرت ملیت سرحدات را از ظهور بعضی اغتشاشات و ناامنی این دارند که گرفتار بلائی مبرم و مزمن نگردیم در خانه مجدداً همبند در خاطر اعضای انجمن ماسی محترمه را مسبوق میسازیم که اگر لحظه از انجام این امر غفلت ورزیم عتقرب اغتشاش و هیجانی در داخله مشاهده خواهیم نمود که همان اغتشاش رشتی حیات جامعه ما را از هم حواهد گسیخت و آبروی شش هزار ساله دوات و ملت ایران بیکاره بر خاک خواهد ریخت

(انجمن محمدیه بهارستان)

حبل المتین

اگرچه وقتی این لایحه بداره رسید که نه گودرز بود و نه گرز گران) یعنی از بخت شوم انجمنها برچیده و عمارتشان همه از هم دست برداشته بلکه بجز مقدس دارالشورای ملی را که نقطه آمال سی گردننوس بود بتوب بسته عالیها ها ساقلمها شده است ، ولی چون لرا نیز اندکی حس اولاد وطن اعتماد و اطمینان قوی است دواریم بهمین نزدی آب رفته را بجوی باز آرند و اساس مقدس دارالشورای ملی را مستحکم تر از اول سازند بزطوفان هیچ حادثه از جای نخبید

(مرد آن امر در کشاکش دهر)
(سنگ در برین آسپا باشد)

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصوکة نقشه ایرن را هم داراست بطبع اهل ، کند و خط خوب ، در نمبر ۶۶ وکتوریا رود کریس لین ، ماز گام ، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره حبل المتین

هرکس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکتہ بون
نماید قیمت در هندوستان سه روپہ ، ایران يك تومہ ،
اجرت بست بہ ذمہ خریدار است

کلکتہ بقیمت دوازده روپہ بفروش میرسد ،
جرت بست بر ذمہ خریدار است ، بہر يك
و این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند
نقشہ ایران نیز علیحدہ بقیمت دو روپہ
بفروش میرسد

کتاب موجودہ در ادارہ برای فروش

روپہ - آنہ

۴۰۰	بحار الانوار کامل
۱۰۰	سکندر نامہ قلمی ترکی
:	تاریخ سر جان ملکم مصور
:	سہر نامہ مظفر الدین شاہ مرحوم
:	سوانح عمری امیر عبدالرحمن - مرحوم
۸	(در دو -)
:	منتخب تاریخ ساسانی
:	تہذیب المودہ جہ اسلامبول
۸	غرائب عالم
:	آثار ۴
۸	ایات حضرت زینب - سلام اللہ علیہا
:	میکادو نامہ مصور
:	مکالہ سیاح ایرانی
:	داستان شکفت
۸	دیوان سرخوش
۸	دیوان حافظ جہاب عکسی
:	رباعیات مولانا روم
۴	دیوان عنایب (کاغذ و طبع ممتاز اعلی)
:	قصائد قافی
۴	منتخب قصائد قافی
:	ابراہیم بیگ جلد دوم
:	حاشی با اسفہانی مصور
:	(در دو جلد)
۸	گنجینہ ناقری (غزلیات)
۸	اخوان الصفاء (اردو)
۴	منتخب مثنویات سودا (اردو)
۱۲	آرائین محفل (اردو)
۴	نثر بی نظیر (اردو)
۱۲ و ۱۱ و ۹ و ۸	جلدات جبل المتین سال ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲
۱۵ و	فی جلد پانزدہ روپہ

ایضاً

یومیہ جبل المتین در ہشت صفحہ با مسلك
و مشرب پانزدہ سالہ خود در طهران اشاعت
می شود ، هرکس در هندوستان طالب
باشد در کلکتہ با ادارہ جبل المتین - و در ایران
و سایر ممالک خارجہ بہ (طهران) خیابان لالہ
زار ، ادارہ یومیہ جبل المتین رجوع نماید - قیمت
سالانہ در ایران سوای طهران چہل و پنج
قران و در ممالک خارجہ عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراہیم بیگ کہ افراد ملت بہترین
نازیانہ غیرت در حب وطن است با کاغذ بسیار اعلی
و طبعی خیلی خوب در سیصد و پنجاه و پنج صفحہ
بتقطع جلد اول کتاب موصوف با بیعہ فروش در
ادارہ موجود است ، این کتاب گویا لازم بمعرفی
نیباشد ، همین قدر کافیست کہ بگویم این جلد
از جلد اول نافع تر دلچسب تر است ، هرکس جلد
اول او را ملاحظہ نموده از مذاق مؤلف و سیاق
کلام و لطایف عالیہ آن بخوبی واقف است ، کہ در زبان
فارسی تالی این سبک و سیاق نوشته شدہ ، قیمت
۳ روپہ ، اجرت بست بر ذمہ خریدار است

(میکادو نامہ)

میکادو نامہ منظومہ است در جنگ روس و ژاپون
کہ بوضع شاهنامہ نگاشته شدہ ، و دارای ۵۸ عکس های
مستقلہ میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیدہ

از قضایای موحشه که بحمدالله تعالی

بکوری چشم معاندین واقع شد

اینکه زیاده بریکاه بود نمایندگان انجمن محترم اسلامی از عتبات بانجمن ایالتی فشار میآوردند ، و جداً از حضرت اقدس والا خواستار بودند که اشراو محبوسین در تحت استنطاق در آورند ، تا آنکه آمر و مباشر در آن شهیدین سعیدین منکشف و محقق شود که با جسد سید شهید چه معامله کرده اند و برای پیشرفت جلسه انجمن را هفته چهار روز قرار دادند ، از صبر تا ظهر علی الانصال نمایندگان انجمن محترم حاضر و حاضرند از اینکه انجمن ایالتی بامری دیگر اشتغال پیدا کند در هر جلسه چند نفر را استنطاق میفرمودند و امور محضیه ظاهر میکردند ، و جوی از مباشرین بام و در هر قول معین و محقق می نمودند ، یکی می گفت من چهار ضربت بشهید رابع زدم ، دیگری اقرار می کرد که من عمامه او را از سرش ربودم ، کسی اعتراف می کرد که عباى شیخ را برداشته ام عباى سوراخ سوراخ و نه را میآوردند مجلس کربلا میشد و در طی کلیات دیگران و ظلمهای گوناگون منکشف و هرکس از آن گرفتار بود عدد دست غیبی و نجوم اعمال بسوالت دستگیر میشد و اگر کسی در مقام استنطاق دروسی از او ظاهر میشد تعزیر میشد مثل احمد آئین دروغ گمت ، نمایندگان انجمن اسلامی سحت گرفته محضرت والا فشار آوردند بطور طامع با اینکه باطاً خود محضرت اقدس خبلی میل داشتند او را مقابل محضرت خورشید برهنه بیه پایه بسته ۷۹ تازیانه زدند حساب علم الهدی باآواز بلند زنده باد مشروطیت زنده باد ظل السلطان فرمود ، حاضرین که شاید قریب پنجهزار نفر بودند با او هم آواز شدند ، عباس پسر حیدر طالب را بواسطه ظلمی که نسبت بشهید مظلوم کرده چوب مستوفان خورد و و و و و

ار ترام اخبار و اقرار اشراو محقق شد که جسد شریف سید مظلوم را در چاه قائم سدر انداخته اند نامر پسرهای قوام چند روز برای اخراج جسد از چاه تزییات و اسبابی فراهم آمد حضرات معین باکال

استیجاش و توهم آلات و ادواتی فراهم و بعضی از آنها داو طاب شدند مع هذی بواسطه شدت در همه تقاعد داشتند با اینکه مبالغ خطیری بجزاء اجر عمل معین شده بود

پوم چهارشنبه ۱۰ شهر حال عده کثیره از انجمن اسلامی و انصار حاجی از متقی های چابک و نجارهای بصیر بر سر چاه رفته تا این حال کسی جرئت رفتن در چاه نداشت ناگاه پسری بسن یازده الی شانزده سال حاضر شد و بلا تأمل با کمال قوت قلب بچاه فرورفته فاصله یکساعت حسد شریف را از چاه بیرون آورده اگرچه خود آن پسر اعتراف کرد که من بوکر حاجی معین الاسلام بوده ام ، ایکن مالکی بود و از جاب خداوند تعالی به عورت بود از چاه بیرون شد جسد شریف ذریه زهرا از لعنف خدا و مدد حضرت والا جنازه را غسل داده حنوط کرده کفن پوشیدند و با احترامی فوق العاده باستانه مبارک حضرت شاه چراغ آوردند ، سه بغروب مانده پوم جمعه جسد شریف را در بقعه گذاشته با جماعت کثیر از علماء و سادات و اکابر و اعیان و انجمن ها و عده کثیره همه با لباس عزای و عامهای سیاه بوضعیکه شور محشر برپا شده بود محافظیه برده دفن کردند الا لعنة الله على القوم الظالمین

مکتوب از کرمان

- ۱- امضای جناب مستطاب عارف ربانی
- ۲- مرشد سلسله حلیله نعمته الاهی
- ۳- آقا سید ابوالقاسم سلمه الله

حساب هو الا لام ابدك الله تعالی بدون شایبه نفاق که در مذهب ترا ممنوع است هرگاه قدر آن جناب درد وطن برستی در ما ها بود و تاسی بکلمات بنات الحبار مقدس جبل الماد می بودیم امروز مبتلای باینهمه مصائب ناگوار شده من مشروطه که نتیجه آن عدالت ، حریت ، امنیت اسم می بردیم ، لکن شدت بی علمی و جهالت بقدری در علم مات متمکن است که هیچ قسم این انقلابات علاج پذیر نیست مگر به تحصیل علم ، غرض از تصدیق آنهم چون مرقد منور حضرت شاه نعمه الله ولی ، که از ترویج و تعریف مستغنی است در قریه ماهان هفت فرسخی

گرمان از زمان سلاطین صفویه آثاره برهانم همیشه مطاف فقرا و سلاطین و حکام ذی احتشام بوده و سلاطین هندوستان و ابرائ که ارادت بانحضرت داشته در تعمیرات و امین اوقاف و تقدیم نذورات بذیل جهد مرعی داشته ، هرگاه اهالی ایران مراعات حفظ اشیاء عتیقه را نموده دفتر و حساب در کار بود و قدر آثار عتیقه و اشیاء آنتیک را می دانستند و می فهمیدند که در دول منمدن خزائی هست که عظمت و اقتدار دول و ملل از آنها فهمیده می شود هرگز این جواهرات بی قیمت را که قرن ها در خاک پاك ایران مدفون بوده برایگان از دست میدادند ، چه هنوز بزرگان ایران میداند قالی کهنه و کاشی کهنه را برای چه میخرند ، هر حال تولیت مایان این آستان نیز چه بحق یا ناحق دفتری نداشته که قالی و سایر نفایس خزینه آستانه متبرکه را بت نمایند که در چه زمان تقدیم شده ، از چه آثار و اشیاء عتیقه که دل این فقیر را بدرد آورده و مدتی در صدق عودت میباشد برجال دولت و ملت متصل شده علاجی نیافته و امیدوارم بهمت جناب مؤید الاسلام علاج پذیرد .

این است که سلطان احمد شاه بهمنی پادشاه ذیحجه هندوستان معروف بدکنی بك پارچه سنگ مخروطی سبز رنگ که معلوم نیست زمرد یا زرجد یا دیگری باشد که سه طرف آن خطوط قدیم نقش شده بعد از انقراض سلاطین همج بسلاطین هندوستان رسیده این سلطان ذیحجه بواسطه ارادت بحضرت شاه نعمتالله تقدیم آستانه متبرکه نموده که چون یادگار سلاطین همج است در خزینه حضرت شاه نعمتالله باشد ، اغلب مسافری و سیاحان اروپا او را دید و خطوط او را نقل کرده و در مسافر نامه های خود نوشته ، چندسال قبل قونسول انگلیس (میپرساکس) خواهش دیدن او را نمود امتناع نموده ، در حکومت حضرت والا رکن الدوله (مسیو مله) قونسول روس خواهش دیدن او را نموده گویا ایشان داده عکس او را برداشته اند ، یکنفر از اهل فرانسه مستخدم پست و صندوق مالیه از جناب (مسیونوز) در کرمان مامور بود امم مشارالیه (مسیو سزری) که هنوز در ایران مستخدم است بواسطه انهدی که با شهاب الممالک نایب الحکومه حضرت والا

رکن الدوله داشت ، خواهش دیدن آن سنگ را نمود شهاب الممالک منشی حکومت میرزا محمد خان عراقی را پاهان فرستاده سنگ مزبور را خاسته که بعد از دیدن رد نمایند ، رفقه شهاب الممالک موجود است ، بعد از گرفتن سنگ متولی باشی مطالبه او را نموده شهاب الممالک معذرت شده که (سزری) نمیدهد میگوید این سنگ باید در اطاق موزه شاه باشد خدام نیز بی ملاحظه سکوت کردند متدرجا این فقره افشا شده رؤسای ملت و مرعی حق پرست در صدد بر آمده معلوم شد بجزایر و ات نرفته به کیسه خان دولت و ملت (مسیو سزری) رفته ، البته نایب الحکومه نیز بی بهره نماند هموم صرفا و رؤسای روحانی برای استرداد به جواهر گران بها حاضر شده چه که حکم دزدی دارد ، اشخاصی که تقاب کرده حاضرند ، و مؤ معارف نیز وعده اقدامات فرموده لاکن بزرگان دولت بقدری گرفتارند که اقدامات آنها زبانی است و بهی مجلس نیز قوه ندارد ، بر فرض یکنفر دزد از آنتیک خانه لندن یا پاریس چیزی که معروف و مشهور و ثبت مسافرت نامهای اروپا باشد به قلب سرقت نماید ، آیا هیچ دولتی میتواند او را خرباری نماید ؟ کسانی که بعنوان اطاعت برده حاضرند بهاب الممالک اصفهانی ، مسیو سزری که آلمان در رشت است ، امیدواریم جناب مؤید الاسلام ما را مدد فرموده از پای نه نشینند تا آنکه این یادگار سلاطین همج را بحمل خود عودت دهند ، زیرا که اثر تحریرات آن جناب از صاحب شرع مطهر است

سه قطعه عکس او را از سه طرف برداشته اند بزحمت تحصیل نموده بداره جبل المتین فرستاده امید است درج فرمایند ، چه هنوز کسی در ایران نخواهد ، جناب فرصت الدوله شیرازی بك خط را ترجمه فرموده باقی را نوشته اند در ایران کسی نمیتواند بخواند شاید از تواریخ قبل از میلاد حضرت مسیح بوده و یکی را می نویسند ترجمه این است (من هشتم در پیش پادشاه پادشاهان ایران و بسیاری از مملکتها از دور دست کیان) حاصل آنکه حضرت والا رکن الدوله در ایران حاضر ، شهاب الممالک اصفهانی نیز حاضراست ، سزری فرانسوی مستخدم کمرک ایران در ایران حضور دارد ، خیسات باین بزرگی در تمام روی زمین هیچ دولتی

باید ، يك همچو ناه و جواهر معروف را بدون اجازه دولت و ملت بشیادی برده فروشد اگر چه مرحوم متولی باقی شخص محکمی بود که با اصرار و ارام زیاد قوسول انگلیس (مبجری ساکس) که حالیه حترال قوسول مشهد مقدس است نشان نداده اکنون چه شده که گفته یکنفر شهاب الممالک برای دیدن یکنفر مستخدم گمرک او را فرستاده مجدد مطالبه فرموده و چشم از يك یادگار عصر عتیق که از راه سلاطین عجم بخزائن سلاطین هند و از آنجا بخزینة حضرت شاه نعمة الله ولی رسیده پوشیده است خدا بهتر میراند

هرگاه مجلس مقدس ملی و جناب وزیر داخله و وزیر علوم و وزیر خارجه ما بعد از انتشار این لایحه اقدام استرداد بی امات فرمایند معلوم است ذره درد وطن پرستی در ۱۱ بیست

و از انجمن ایالتی رشت برادران خیر خود استمداد می طلبیم که جداً مسیو سزری را در مقام استنطاق آورده ، هر جا فروخته پس بگیرد و وجه آن بکسبه هر بی شرف رفته بگوید که تا جان در کالبد ماها هست دست بر نمیداریم مگر این امات بر کمر خود برگردد ، اشتهاراتی چند نیز هست که بمسبونوز رسیده و باروبا برده بجه قیمه فروخته ، لاکن چون سند در دست نداریم از ذکر آنها صرف نظر کرده فقط عکس او را تحصیل نموده و رفته شهاب الممالک حاضر است که در جواب مطالبه مرحوم متولی ماشی آستانه نوشته است ، مسیو سزری ضبط کرده نمیدهد ، وعذر سزری این بوده که باید این آتیک در اطاق موزه شاه باشد پس از تحقیقات معلوم شد در اطاق موزه شاه نرفته باقی موقوف بهمت زنده دلان ایران است

(اقل خدام فقرا ابوالقاسم الحسینی)

حبل المتین

خدمت جناب مستطاب قطب المارفتین با دلی شکسته و جگری خسته با کمال ارادتی که مابین سلسله جلیله و حضرت شاه نعمة الله ولی قدس الله روحه داشته و داریم عرض می نماید ، مولای من

(برچیده شد بساط عدالت ز روزگار)

(تا چند داد عدل بظلام مینزد)

با اینکه امروز موقع درج اینگونه لوائح نبود ولی محض امثال امر درج کردیم ، حالا باید دید ما وضعی که امروزه در ایران پیش آمده آیا ایران برای ایرانیان باقی می ماند ؟ آیا مسلمانان دوام خواهد کرد یا نه ؟ خوب است مسلمانان را صبحت نماید دست بدست اتفاق داده تا نعمة مطهره حضرت شاه را نربایند بلکه شعار اسلام از میان نه برود چه اگر کار باین وضع باقی ماند دیری نخواهد گذشت که باید جستجو کنیم که اسلامیت ما را بکدام دولت فروخته اند

(گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق)

(ای بسا دل سکه بخونابه منقش بنم)

البته واقعات طهران را خبر دارید لازم به تذکره نده نیست منتظر باشید که همان (مسیو سزری) یا امثال او را بر جناب مستطاب عالی و امثالشان حکومت بخشند مسلماً اگر کار باین منوال ماند امروز نه فردا (مسیو سزری) نه ، مسیو زهرمار دیگر ر جناب عالی و سایر راداران اسلامیتان حکومت خواهد نمود این روزهای سیاه که ما را پیش آمده و من بعد هم بیاید همه ماشی از عدم اتفاق است و عدم اتفاق ما دال است بر عدم عقیدتمان با اسلام پس ابتدا باید کوشش در مسلمانان کنیم اگر واقع مسلمان شدیم متفق خواهیم شد و همینکه متفق شدیم این خاکهای سیاه بر سرمان بیخته نخواهد شد همین که کلمات رفع گردید جزئیات بهم بالتبع رفع خواهد شد

(گفت بیغیر که ادر ساق عرش)

(لخمه نور این چنین بنموده نقش)

(ذبح اولاد آدم بی خلاف)

(زاخلاقیت زاخلاقیت اختلاف)

نقل از روزنامه اتحاد

عهدنامه رؤساء شاهسون

عهد و قسم نامه کلیه بجزادگان و کدخدایان و تابعین طوایف شاهسون مشکین بسط اجزاء محترمین انجمن مقدس ملی ایالتی آذربایجان حضور مبارک باز یافتگان اعضاء دارالشورای کبرای ملی شریفه ارگاه چون حکام متقلبین و حایه اردبیل و مشکین و بعضی از ممرضین کلیه طوایف شاهسون را در انتظار اولیای دولت و ملت بی تربیت و وحشی و خان قلندار

و جلوه داده اند ، لهذا این فدویان طوایف شاهسون اردبیل و مشکین محض بروز و ظهور صداقت و دفع اشتباه و ارائه فدویت خودمان در حضور سراجم شور سلطع مبارک وکلای محترمین مجلس مقدس شورای ملی شیدانه تعالی ارکان همین ورقه قسم نامه را که بمنزله تجدید عهد و میثاق و بیعت خالصانه است تبلیغ و تقدیم مینمایم که این عهدنامه برای خود و اعیانمان ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه یادگار ماند تا اینکه ملت و دولت اطمینان درست و صحیح از این فدویان حاصل فرمایند

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

(و به استمین)

یا منقّم و یا عادل و یا احکم الحاکمین احکم بیننا و بین المستبدین و الخاشین بالعدل
 این فدویان کدخدایان و بیک رادگان و تابعین کلیه طوایف شاهسون اردبیل و مشکین - خداوند جل جلاله و اعظم شاه را شاهد و گواه مبگیریم و عرض مینمایم - که آنها و پروردگارا بحق ذات مقدست قسم و بحق کلامت که حجت بالغه حایله این یکشمت مخلوق نواست ، و بجزمت مظاهر امرت سوگند ، ما کلیه بیکرادگان و تابعین و غیره همگی مشروطه طلب با حال و جان و ناموس در همراهی و تقویت و حمایت مجلس مقدس شورای ملی حاضریم ، از او امر و احکامات مطاعه مجلس مقدس تجاوز و انحراف نخواهیم نمود و هرکس بمقام اضمحلال و تخریب این شایسته مقدس و ارادات الهیه برآید ماذن و اجازه وکلای محرم نیست و نا بود و در قلع و قمع مواد فاسده در این از اطاعت اوامر مجلس مقدس و قانون اساسی تخلف و تجاوز مینمایم و بحق حضرت ولی عصر ارواحنا فداه قسم و عدلول این عرضیه متمهذیم برای جهاد که هر یک از دول اجانب بخاک ابراه که وطن عزیز ما است طمع مایند تا آخرین قطره خون حواد کوشیده بدون الله و قوته نخواهیم گذاشت بکوجب آن را به رید ، تبعیت و اقتداء بر آباء و اجداد خود را در شجاعت و رشادت در دول اروپا و امریکا و آسیا و افریقا ناکنون مشهور و ورد زبان است خواهیم کرد ، و از وصول مالیات و پرداختن حکومت مضایقه نخواهیم کرد ، در آباء سیم

مملکت و آوردگی رعیت و اعلم طرق و شوارع کوشید ، باغزای هیئت ملحوسه مستبدین سد از نفوس کثیره از ابناء وطن و هب اموال و هتک امراض من بعد بزیر بار اطاعت حکومت مستبده نخواهیم رفت ، بشرط اینکه از روی حقانیت و عدالت دولت و ملت موافق قانون اساسی بعراض و تظلمات این فدویان رسیدگی فرمایند ، حاکم مشروطه طلب با اجزا مختصر و کتابچه قانون مرحمت فرماید که همگی مطیع و فرمان بردار هستیم ، سد ز این حکومت مستبده طلبه اطاعت و تمکین نخواهیم کرد ، خون باصد هزار نفر را بمر معاوضه نخواهیم نمود ، البته خداوند عادل از است که انتقام مظلومین را از ظلمین بکشد (و هر عمل مقال ذره شرأ بره)

از قرار ترقی کون و ترقیات و تربیت های دول احاط و اخبارات پیغمبر ، ما معصومین - الام الله علیهم اجمین باید روز به روز علم آردی و املیت و آسایش همومی گردد . معنای (بوم تبدل الارض غیر الارض و السهوات ، و بوات یمینه) آشکار شود ، پس در این صورت چه باید ما فدویان خود را از حریده فدائیان و مدان و مقویان این بنای مقدس خارج مینماید و اعدا له به لعنت و قریب اسلاف و اعدایان گرفتار شویم و اگر مملکت آباد گردد و علم و استبداد برطرف شد هر زمان مجلس مقدس دوست هزار تشرف از ماها بخواند با کمال رصا و رغبت حاضریم ، در رشادت و شجاعت مشهور ترین آفاق همین طایفه است ، همینقدر مدنامی این فدویان از طایفه (قوجه بکلو) و چهار پنج نفر کدخدای مستبد است ، اگر چه در حقیقت آنها قابل اعتنا و معتنا به نیستند لیکن فدویان را در خدمت حکومت بجهت مشروطه طلبی بعنوانات گوناگون مقصر میکنند ، چون حکام باطناً ضد مشروطه هستند ما آنها تقویت نموده فدویان را در خدمت اولسای دولت و ملت وحشی و بدخواه و ضد مشروطه الم داد مینمایند ، مستدعی اینکه اولاً حکم قطعی رقاع و قمع ماده طایفه (قوجه بیکلو) بفرمایند و ثانیاً و ثالثاً آنها را از مدخله امور حکومتی و رعیتی بی دخل فرمایند ، بعد نتیجه خدمت گذاری و فدویت همه اهل ایران بلکه به دول

دیگر مشغول می ملت رساییدیم . (اللهم انت محکم
 که بخای ... ما کاوا فیه بحافون)
 حور عوحد نظامنامه عمومی در ولایات حز و
 تشکیل المحسن صحیح نیست ولی از امنای انجمن مقدس
 استدا داریم یکفر اهل بصیرت و متدین و بفرض را
 که از کلیه امورات و اوضاع مسبوق باشد از اهل
 رشکی در خود مشکین تعیین و مشخص نمایند که
 من و حافظ احوال مات و یاسیان عدالت حکومت
 و حلوری از ظلم طالمان از هر طرف فرماید ، از مشکین
 تا اردیک چهارده و شانزده فرسخ است همه مطالب
 را ارائه و تجر و نظم نمی توان کرد ، امید داریم این
 عرض امر را قو خواهند فرمود انشاء الله تعالی
 رضعلی بیک ... حاجی پچلی بیک مغالو -
 حاجی عبادالله بیک احرلو - حاجی جهانگیر بیک
 بکدلو - مستعلی بیک مغالو - حصار بیک هرلو -
 حاجی اماموردی مغالو - غلام بیک دمیرجلو -
 علی بابا احرلو - حسین خان بیک - رحمان خان
 نکدلو - عباس بیک - کامران خان - دهنش بیک -
 محمد کاظم بیک - محمد کاظم - محمد علی بیک - رحمان
 خان مغالو - عباس آقا بیک - محمد کاظم بیک -
 قباد بیک - عبده - همان - علی محمد بیک - محمد
 بیک - باناش بیک طالش میکائیلو - محمد بیک -
 حاجی حضرت قلی حاجی خواجه لو - دربان بیک -
 نور محمد بیک - محمد علی بیک - نعمت الله آبواتلو -
 عمران حاجی خواجه لو - سلطانی بیک - حاجی
 علی بیک - حاجی تبیح علی - حاجی حیدر علی - بر
 جلو - آقا بیک عبسی لو - کرملای سلمان - حاجی
 میر علی بیک -

نقل از روز نامه شریفه

شورای ایران منطبعة تبریز

وطن در ورطه اقراض افتاد ، ناموس ملت
 موهون تهدیدات ناموس شکامه همسایگان گردید ، بیله
 سوار انگد کوب سالدات روس شد ، ارومی آتش
 گروت ، عرض و ناموس خواهران ایرانی در مقابل
 شهوت رانیها می اکراد متعرد بیاد روت ، آه
 واجبلتاه ! ... با این همه دره عرق حمیت ما حرکت نکرد

بل ایرانی که خود را اشرف اولاد آدم و
 وارث دودمان عجم میدانند و خود را به علمداری
 حریت و بیداری و محابت معرفی میکنند و حفظ
 دنوالشورای را باقطرات خون خود ضمانت می نمایند
 در جلو این همه سیلهای بنیان کن که از هر طرف رو
 به وطن سرار بر شده طوری بی حس مانده اند که گویا
 می خواهند داخل قبور مردگان میدان سیاست گردند
 و حیات استقلالی خود را به يك موت وحشت انگیز
 عرض کنند

یا للمجب ا مگر ما حاضر شده ایم که وطن را از
 دست دهیم ، استدلال ملی را تلف کنیم ، مساجد خود
 را کلیسا بنایم ، عهد و نکاح بردگیان اسلام را به دیوان
 خانه های خارجه ببریم و خود را محکوم اجانب بنایم .
 صفحه و خامه ، از نوشتن این سطور اسف انگیز
 آتش میگیرد و قلب تمام طرفداران اسلامیت به حال
 ما میسوزد ، ولی چشم های ایرانی را طوری پرده های
 کثیف حماقت پوشیده که در عالم مسقی بی خبر از ملك
 هسقی سر میبریم

نه گوش داریم که مصیبت های ملك محکومه را
 بشنویم و نه چشم بیدار که حالت سفالت آمیز آنان را
 بینیم

ما آشکار میگوئیم ، ما این برحسی و بی غیرتی که
 پیش گرفته ایم عنقریب است که هنر ایل اقراض دمار
 زرورگار ما در بیارد و ما را از ارمق و بیود دلیلتر نماید
 ایران برای ما ارزن تمام شده که به این رایگانی
 به تسلا اجنبی دهیم ، این خاک را که ما بچشم حقارت
 میبگیریم ، بخون های بیایکان با شرافت ماست که در
 هر صه های کل با فدیة جان خود از تطاول بیگانه
 حفظ نموده و ما لادی ناموس را به ارت گذاشته اند

(مردم چرا سوزید ، لشکر چرا سازید)

(یا اینکه سرفرازید ، یا سر نهید یکجا)

روح اسلام ما را امری نباید که یا به شرافت
 زندگی کنیم و یا توك حیات گویم ای مسلمانان ! ای
 قائلین لاله الا الله ای حسی تا چند ! بی غیرتی ناک ؟ !
 چرا حرکت نمیکنید و شریعت پیغمبر را از تسلط
 عنصر اجنبی خلاص نمی نمائید ؟ ! اگر فردا روز جزا
 رسول مکرم (ص) - سوال نماید : کو سلطنت مذهب

اسلام چه خواهید گفت ؟

امروز ارواح مجردة اسلاف با غیرت چون از عالم بالا به بی ناموسی این اختلاف بی حیت نگاه میکنند جان ما را فریب میفرستند و آن اطقه را که در اعقاب پدران و ارحام مادران اقدامات لا بدایة ما را نمائند میکنند و آن ذلقی را که ما برای آینده ایشان مهیا می نمایم می بینند ، با ارواح معصومه خود مرگ ما را از خدا می خواهند

افسوس . . . برای آن وقت بیدار می شود که وطن را در تسلط اجنبی ، بیرق مسلمانی راسرنگون ، پیروان احمدی را دلیل نقاع متبرکه را لکدکوب ، شئون اسلام را مورد استهزاء بینند .

ای ایرانیان برخیزید و خود را از این گرداب اضمحلال رهایی دهید . و این معنی ممکن میشود مگر با اینکه در اظهار همه مالدین ثابت نمایید که حاضر هستید که جان شیرین خود را فدای استقلال ملی نمایید .

لی اگر این اقدام مردانه را کرده و از روی حقیقت کس مقام مجاهدی نمودیم یعنی جانبازانه سینه های خود را آماج گلوله دشمن نموده و در راه نگاهداری این خاک پاک سحت استادییم عالم متمدن را متزلزل نموده و انظار طرفداران صالح و سلم عمومی را روی خود جاب می نمایم .

والا اگر ما این تبلی و کسالت مدطر شویم که ما را احقاق حق کنند و متعدیان ما را متعرض شویم بزودی این حیات ذات آمیز نیز با یک مهت حاودای خانه خرامد بدبرفت .

سال گذشته که دولت ژاپون حماکت گوریا را صمیمه ممالک خویش نمود دو نفر از جوانان عبور و تربیت یافته آنها برای تعلیم مجلسی لاهه رفه و از ظلم ژاپون و مطلوبت وطن خود عنوانات مطلوبانه نمود جوای شلیدند این بود . که اگر نیت ملت کوریا حسن شما دو نفر را میداشتند این (کفراس) عاۃ حق شما را میکرد ولی چون در صد استیلای ژاپون صدائی از ملت ما باند نکردید معلوم میشود که اهالی کوریا امروزه مستحق حیات مستقله نیستند و احتیاج به قیم دارند .

در زمان انقلاب کبیر روسیه چون خبر ورود خصم بخاک فرانسه در پاریس شیوع یافت و بارچه صرا بدر و دیوار مجاس ملی کشیدند و علم سیا سر در آن نصب نمودند سی هزار فرانسوی به یک اعلان وطن در خطر است) ما یک جنیتی کرم وطن برسه اسامی خود را دو دفتر سرماران داو طاب قید نموده و برای مدافعه حک وطن عازم سرحد شده وصوات چندین دولت متحده عظیم الشکبه را شکسته و مسمور هیجان جانبازانه نموده بودند .

معنی هیجان ملی این است . والاجمع شدن چند مری محس را مانند ما ، برای صرف جان و غلیان ، در انجمنها و برگوبی های لاف آمیز را نمیتوان هیجان ملت گفت .

انصاف دهید آیا یکی از اعصای انجمنها در موقع نزول این همه صاعقه های الهی یکشب راحت را بر خود حرام نموده اند ؟ آیا مجاهدین ما یکقدم فدا کارانه در راه حفظ استقلال ملی برداشته اند ؟ آیا متمولین ما یک دیار بر نگاهداری وطن ای ر نموده اند ؟

چگونه چاره بماندای سیه محنتان !
ز گردش افتد اگر روری آسیای وطن !

مات ! عاها ! تجار ! اعیان ! اشراف ! احله ! وطن در خطر است . اگر سلطنت مایه را گم کنید دن و مدعب ، عرض واموس . شأن و شرف همگی یکدفعه شما را نرك خواهد کرد و چون علم ندارید ، نقول یکی از غیرتمندان وطن پرست ، آن کاربرا که کردن آن ما چهار بایان بی زبان صرفه نخواهد کرد دست شما تمام خواهند نمود .

همه اینها و هزار درجه مالار را هم در نظر گرفته و تا رود است علاج خود را بکنید و آن علاج این است که جدآ ز دارالتوری قانون اصام ملی را بخواهید و در تشکیل افواج ملی ، به نظرز مجاهد نازی سل ماضیه ، همت کنید ، و مدار آنکه اسم خود را در دفتر خدمت نظامی ثبت نمودید واقعا آماده شهادت باشید و حال خود را در مقابل ناموس وطن اهمیت ندهید و مثل غازیان صدر اسلام بروید بافتح کنید و یا کشته گردید .

تفکرات

(۲۶ ج اول - ۲۶ جون)

§ باید: خصوص روس در (مارس) وارد شده عرض ملاحظه حدود ایران و عثمانی است

§ مجلس (دوما) رویداد کبسیون خزانه را کلیتاً امضا داشته ، و قانون ایاب و دهاب حمایات بین (ولادیواستک ، نیکمائی ، و ، سوروگا) پیش شده آن هم امضا یافته است

§ مستر لیس (بر منگم) اظهار داشته که این امر خط است (مسریر لورین) مستعفی خواهد شد نهاده او (لارد جاسلر) مدرر شده ، و نیز اظهار کرده که حق الامکار صلاح ارات جنگی را بطریق صحیح هر مد نمود و مداخلات و انتظام آن دره را در دست محمود داد تا زمانی که مات او را منع نماید

§ تلگرافی از روسیه رسیده که ۶ هزار آهائیکه امداد در (پرسس پرسس) عوده بودند محکوم استزای عدم ، و ۲۰ نفر حبس دوام و ۲۷ نفر هید ۶ سال الی ۲۰ سال سزا باهد ، و ۱۳ هزار را حکم به قتل المده داده بد

§ جماعت هو حواهر دولت در لندن اعلامی داده و موسوم (مانی فوج) نموده اند ، عبارت آخر از ایست همیکه مذهبی (مسریر هلدین) ر ثابت نمودند يك مسه ده قانون فوجی پیش خواهند کرد (۲۹ ج اول - ۲۹ جون)

§ تلگرافی از (بیکن) رسیده که رسامه اعلامی - عت بوده مدصم بر ایکه در (بیکن) مدرسه فایم شده و در آن چندی ، که در لدرکانه های بحری حواش بوکری دارند تحصیل خواهند نمود § از به ق بیرون اهالی (نامارنا و سرونا) اهالی ویانه مشوش اما

ر صره ج ۲ - ۳۰ جون)

§ در سمت شمالی (مکسیکو) اغتشاش ریادی ظهور پیوسته ، بر حدود امریکا ماعیان حمله کرده ، از فوج حکومت (مکسیکو) چهار نفر در آموقع محروح شده (مسریر روریوات) حسب العواض حکومت (مکسیکو) حکم نموده فوج در سرحد فرستاده شود

قشون فراسه که مخصوصاً حمة جنگ اصرای که بر مأمورین پیمایش حمله نموده رفته ، مجبوراً واپس آمدند ، چه عده اصراب در آنجا از عده آنها خیلی زیاد بوده ، در سمت حاوی (اوران) بسیاری از قبایل صرب جمع شده ، از سمت مغرب هم جمع کنیری متصل وارد می شوند ، مظنون است بقصد حمله بر اردوی فراسه آمده اند

§ مجلس (دوما) وزیر خزانه را اختیار داده که دوست میلیون منات از داخله استقراض نماید § مجلس وزارت فراسه با (۴۸۹) رای عقابله (۶۲) رأی حمة مصارف مسافرت (پرسدنت فلاریس) در روسیه منظور داشته (مسیو پیشون) اظهار داشت اتحاد روس و فراسه مورث استحکام پولیک خارجة فراسه شده

(۲ ج ۲ - اول جولائی)

§ حمای (ناره ایلس) که از (شنگکوک) رهسپار شده بود در (رسولوله) شگافه شده اهالی آنجا اسباب و اموال آرا و عارت برود خلاصیان و کپتان وارد عدن شدند

§ تلگرافی از (لاریسو مارکوویس) رسیده (۲۸۰) بوثر از (عباسه) بطرف (لیکنند آه) مهاجرت و سکوت میروند

(۳ ج ۲ - ۲ جولائی)

§ از خبری که از (سینگول) رسیده ظاهر میشود که (۲۰) نفر سرباز انگلیسی ناگهان بچار شده چنان معلوم می شود که دزدان دریائی با افسران آسیائی بکدل شده آنها را مسموم نموده بودند . و تدارکات لازمه اقدام شده است

(۴ ج ۲ - ۳ جولائی)

§ در مجلس شورای ملی انگلستان (مسریر هسارت دیونس) اظهار داشته که بر امام مسقط خبر باید کرد که تجارت اسامحه و اشیاء جنگ را در خاک خود منع نماید (سرادورد گری) جواب کلاه که من در این خصوص تفکر و غور خواهم نمود

از طهران بموم ولایات

خدمت ذیشرافت جنابان مستطابان شریفتمداران آقایان علماء اعلام دامت افاضاتهم - چون بعضی از

اشرار و مفسدین که در دار الخلافه مصدر افساد و بی نظمی و بخل احراء قوانین و اساس مشروعه مشروطیت شده مملکت را هوای نفس بی نظم و هرج و مرج نموده بهیچ طریق مستقیم داخل شده از حسابات فائده منصرف نمیشدند، لذا بندگان اعلی حضرت قدر قدرت اقدس هابون شاهنشاهی خلافت مملکت و سلطنت محض حفظ اساس مشروعه مشروعه و وقایع نظام امنیت مملکت حکم بدستگیری اشرار و مفسدین فرموده، تمام آنها را گرفتار و مجازات داده قوانین مشروعه مشروطیت محکم و اهالی را امیدوار فرموده، البته این طور توجیحات بندگان اعلی حضرت اقدس هابونی را در حفظ این اساس مقدس بصوم مردم اطلاع نموده آنها را بمراحم درات مستظلم و امیدوار فرمایند، که اگر مفرصین طوری دیگر انتشار داده باشند تکذیب نموده و آنها حالی نمایند که بندگان اقدس هابونی در دست گیری اشرار و مفسدین غیر از حفظ اساس مشروعه مشروطیت و اجراء قوانین این تربیت مقدس منصودی نداشته اند و بمحافظه تعالی این اساس را محکم و مملکت را ملایم فرموده، هموم اهالی از این رأفت و مرحمت ملوکه شاگرد بوده دعاگوی وجود مقدس هابونی باشند،
 عبدالله الموسوی - سید محمد - امام جمعه - عبدالجی -
 فضل الله النوری - سید جمال آفجه - صدر العلماء
 (۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۶)

(این تلگراف برای استنار حقایق بسیطه مجعوله عباره شده است ، جز صحت جناب شیخ فضل الله نوری صحت دیگران حمل است یا جبر ، هیچ دلیلی هم برای اثبات صحت شیخ و جماعت آن بهتر از لفظ مشروعه مشروطه نیست که از ابتدای مخالفت مجلس راه نموده اند ، دبری نمیگذرد که سرپوش اردوی مطالب برداشته می شود ، فعلاً بوسیله همین تلگراف مردم بلاد دور و نزدیک را گویا از آن شور و خروش انداختند ، و جناب شیخ میدان را بکام خود سلطنت نمیدادیم این تلگراف صحیح است یا تلگرافات خارجه در گرفتاری حجج اسلام و غیره و قتل و غارت های وحشتناک واقع اگر حجج اسلام غیر از جناب شیخ این تلگراف را از روی طوع و رغبه به بلاد نموده اند باید بر پیش آمد آینده اسلام و مسلمین ندم نمود)

تلگرافی است که مد از ننگ

۲۳ از شیراز شده

خدمت حجج اسلام و انجمنهای ولایت و مات از قضیه فجیه و ثامه عظیمه بر اسلام بر قتل نور شریفه در طهران بامر محمد علی میرزا مستحصر و اخلار کردیم - این شخص بارتکاب چندین خلاف قانون امر بافصال مجلس کرده است ، بر شا منتهم است که بامر و سایل اخبار و ارسال چندین نفر سر کرده متدین بمقتضای عالیات حکم نطق صادر و مات اخلار فرمایند - در - - - - - در این امر - - - - - اساس اسلام است - - - - - بخواهید شد

انجمن ایاتی - انجمن اسلام - همه مات فارس

تلگراف طهران بصوم ولایات

انجمن ایاتی صافی قانون اساسی نفس ، چندین محترمین تبعید ، انجمنهای ملی جاماً منحصر همراهی ولایات لازم است (انجمن مرکزی هموم اصناف)

تلگراف رشت بکرمانشاه

انجمن ولایتی اس مشروطیت از کار شکنی محمد علی میرزا در تزلزل دارالشوری دچار نفی استبداد است هموم مات رشت در احرای نیات مندرسه دارالشوری حاضر و فرقه مجاهدین با تمام قوا مسموم عزمت طهران بسیار انجمن ها اطلاع بدهید (مجاهدین)

تلگراف تبریز بصوم ولایات

با انجمنهای محترم ایالات و ولایات محابه شود که بوکلاهی دارالشوری خودشان تلگراف اصلاح دهند که در خارج شاه ارساطت اگر اقدام دیگری در دارالشوری کبری ملی شیده الله تعالی ارکاه نمایند رعایت آراء موکلین خود شان را بر مابند و دقتی در وقت اتحاد رأی کنند (انجمن ملی تبریز)

تلگراف اصفهان بکرمانشاه

خدمت تمام انجمنهای ایاتی و ولایت چهارده ولایت ابراف زمین نائب السلطنه را جداً از مجلس مقدس خواستند تمام جداً بخواهید کار تمام است (انجمن مرکزی اصفهانی ۱۴ ج ۱)

تکلیف مجاهدین تبریز

(۲۷ ج ۱)

یا عدل و یا حکیم احکم بیننا و بین القوم الظالمین)
 اینک که حشاشه جان بلب رسیده ، و نزدیک است
 قطع رشته حیاتیات شده و خون ناجیزمان در راه
 عدالت و حفظ مساوات حقوق مله ریخته ، اولاد مان
 یم ، و اموالمان غارت ، و زنانمان اسیرگردد ، با چهری
 پشاش و ای خندان برادران وطن و غیوران ایران
 را خطاب نموده میگویم
 اگر بارگران بودیم رقتیم و اگر نامهربان بودیم رقتیم
 شما با خاندان خود میزاید چه فای خاندان بودیم رقتیم
 برادران غیور ، مگر گوشگان مادر غریب وطن
 میدانم که خشم امبد شما به برادران رشید خود مان
 یعنی ما جوانان مشروطیت خواه آذربایجان بوده که
 هماره این اساس مقدس را پشت پناه بودیم ،
 ولی چه توان کرد که رشوة مسدین علماء سوء و
 لاشعواران این مرزبوم را هم قبل از وقت به تفرقه
 ملت وا داشته بود ، و قوای مسلحه نیز به عسارت آنها
 بعد لزوم آمده بود بدو آن جنگ را میان خود من برپا
 داشت مام با دل شکسته و قلبی ناراض بجاکوبیت برداشته
 مستبدین را با آفت همه قواء مخذول و عسک بلا را
 گرفتیم ، اینک سواره و پیاده اطراف را برانگیخته
 اضحلال ما بر انگیزته اند ، مام مال و جان استقامت
 میورزیم ، ولی یقین داریم بر ما غالب خواهند آمد ، و
 اجساد ما را بجاک و طون خواهند کشید ، و شهید راه
 حریت مان خواهند ساخت ،
 مگر شما برادران غیور دل قوی دارید که این امر
 لطیف کدر استبداد دیری پیش متراکم نتواند بود شهادت
 ما بر غیرت و حسرت حریت خواهان عالم خواهد
 افزود ، و از هر قطره خون مان هزاران مجاهد
 مشروطه خواه حریت طلب بوجود خواهد آمد و
 قایت طون بهای ما زوال سلطنت ازین خاندان
 محمد علی شاه خواهد بود

(هرکسی پنج روزه نوبت اوست)

برادران غیور در راه حریت جان را بهیچ نشمارید

مهر و محبت شما را که نشود ، بیست و یک
 مرگ و کشته شدن شما را درک خواهد کرد ، مادر غریب
 وطن را تنها نگذاریم که بی مادر و بی سرافراز
 حال است و تحریرت بندانوار جنگ بر قدک و بر شرف
 ترجیح دارد

برادران غیور خاقان را از غم دور کنید ،
 باوری و ساده لوحی را ترک کنید ، امیدوار باشید که
 برادران لشکری شما قریب بهای ملیتی شده ، بمحافظ
 مادر مظلوم وطن برخواستن نهانتش از جنگ مستبدین
 غلام خواهند بود

تأیید در بیداری لشکریان و واقفیتشان بحقوق
 اقیام کنید ، رعایت احکام شرح بین و
 دهانیان و لشکریان ، مطمئن باشید که
 سلطان مشروطیت خواهان این ابرهای کثیف استبداد
 قطعه قطعه خواهند شد ، قایت علماء سوء کار خود را
 کردند و شاه را هم مشروعه بکسلت

(قرآن کنند حرز و بطله کنند تیغ)

(پس گفتند سفید و امام مین کنند)

قایت حکام و وزراء و اعیان مشروطه خواه که
 دو سال نذبند نمودند مکتوبات قلیبه خود را ظاهر کردند
 خاندان خیرالدوله که تربیت شدگان مشروطه خواه
 محسوب بودند یعنی استبداد فطری خود را بطل مشروطیت
 خواهان زدند درین وقته صدقه خیرالدوله بهانه از
 تابشال و امیر بهادر بالا ز بوده امیدواریم که عنقریب
 طوف ملت دامنش را بگیرد ازین خاندان دو رو
 قافل میشد

برادران غیرت مندان قتلان ، حامیان مشروطیت
 ایران ، بحاکمیز که در حریت ملت اسلیم بر اثر
 شتاخته اند شاهد باشید که مام در محافه مادر وطن
 خود داری عزیزیم ، گروه گروه مان را کشتند قدیم
 باز پیش نگذاریم ، اموالمان را غارت کرده بی
 نیات نافرندیم ، تا جائیکه این بیگوسان دست بر غیرت
 بناموش این حماکت دراز گردند ، مانا غیرت شما که
 از حقوق ما بگذرند کلا بحیثیتتان که خون تبارا باز
 نگردد پیشتر امیدواری ما ، بر همه جوانان بناحق
 ریخته جلود شاست و پس حلی خود را بکشید از راه

(۲۷ ج ۱ مجاهدین تبریز)

• قیمت اشتراك •
سهالانه - شش ماهه
• هند، و برمه •

۱۲ روپيه - ۷ روپيه

• ايران و افغانستان •

۲۰ قران - ۲۵ قران

• عمانی و مصر •

۵ عيبي ۳ عيبي

• اروپا و چين •

۳۰ فرانك - ۱۶ فرانك

• روس و تركستان •

۱۰۰ منات - ۶ منات

• ولايت دار و اخبارات متفرکين •
(هذا ابوة اخبار بشكي گرفته ميشود)

نامه مقدسه

دليلين

سنه ۱۳۱۱

(مراسلایک بدون اضافی معروف اداره)

(باشد درج نخواهد شد)

• اصل كتاب •
• كتاب كالج استريت نمبر ۴ •

HABIBI NHAJI OFFICE,
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

• كلية امور اداره با •

• مدير كل مؤيد الاسلام است •

• هر دوشنبه طبع •

• و سه شنبه توزیع میشود •

• هر دو شنبه •

۱۱ جادی الايه ۱۳۲۵ هجری

• مصادف با •

۲۷ جولائی ۱۹۰۷ میلادی

• در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی تحت میشود •
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش ادارم آزادست)

اختيار

بنابديت امام مصرعجل فرجه سال چهاردم
جيل المئين در جمل و شش نمره خانه پذیرفت، و ازین
شماره به بیمنت و مبارکی آغاز سال باژدم نمودیم. از
خداوند تبارک و تعالی عزیز و توفیق خدمت ملت اسلام
و وطن عزیز خود که فیه الاسلام است مستر حمیم و
از مختارین عترم که قدر دانی شان داعی بر استقامت
این نامه ملی گردیده. نحو تصور خدمات سال گذشته
را آرزو مندیم

مکتوب از واشنگتن

آرنامه یکی از ارباب اطلاع

تو برای ماه این طرف حرامت معتبره این شهر شهید
اشاراتی چند بطریق اجال و سرسری در موضوع قرضا
تجدید ایران می نماید. ارادتمند صمیمی از نظریات اخبار
نگاری بتداعیه قابل نظر و اطلاع بدان وطن خواه حقیقی
میتیم. اما آنکه شکر خدا و حسنه و خفت روز نامه
معتبره (ویلان) مورخه ۲۷ جون (۱۹۰۷) ستون
خفت از نظرم گذشت که در خصوص استقرارش ایران
شرح ذیل را می نویسم که عیناً ترجمه نموده برای اطلاع
خواب عالی

فهرست مندرجات

- | صفحه | عنوان |
|--------|--|
| (۱) | • اخبار • مکتوب از واشنگتن • |
| (۲) | • ترجمه از روزنامه (ویلان) • |
| (۳) | • جیل المئين • |
| (۴) | • نقل از روزنامه شریفه انجمن تبریز مکتوب از عراق صوب • |
| (۵) | • مکتوب از نجف اشرف • |
| (۶) | • سوال از حضرت حجة الاسلام • |
| (۷) | • جواب حجة الاسلام مازندرانی • |
| (۸) | • مکتوب یکی از شاگردان مدرس • |
| (۹) | • ترجمه از اخبار حلبین دیون • |
| (۱۰) | • جیل المئين • |
| (۱۱) | • عقیده یکی از جلایان • جیل المئين • |
| (۱۲) | • آرنامه یکی از ارباب اطلاع • |
| (۱۳) | • مکتوب از گجرات • اخبارات خارجه • |
| (۱۴) | • مکتوب از کرمان • |
| (۱۵) | • جرم وطن • |
| (۱۶) | • مرام های مشروطیت از قلیس • |
| (۱۷) | • سراملان • ایضا • خبرروت • |
| (۱۸) | • مکتوب از طبران • |
| (۱۹) | • تلگرامات • |
| (۲۰) | • ترجمه • |

ترجمه از روزنامه (ویلز)

استقراض دولت ایران

بطریق غیر رسمی در بازار صرافان و سرمایه داران فرانس و انگلیس و آلمان قرضه جدید ایران دوباره موضوع بحث شده. جراید اروپا از بدو انقلابات ایران می نوشتند که بدون یک استقراض جدید هنگفت ایرانیان امکان ندارند اصلاحات لازمه تمدنی و ترقی خود را به نمایند، در بدو مشروطه شدن ایران دولت استقراض مختصری را از روس و انگلیس توأم خواستگار بوده، ملت زیر بار استقراض خارجی نرفت، حالا معلوم می شود که ملت هم بی به ضروریات ملکه برده، پیروی از خیالات دولتیان نموده، استقراض خارجی را فرض تصور کرده مستعد شده اند

این استقراض عبارت خواهد بود از بیست و پنج میلیون استرلینگ (ایرانی انگلیس) بضایات دولتی روس و انگلیس، یعنی این استقراض را دولت ایران توأم از دولتی روس و انگلیس با شرایط مقرر خواهد نمود، و ضامن ادای آن دولتی مشارالیه خواهند بود، ولی ده میلیون از آن وجه را صرافان انگلیس خواهند داد، و ده میلیون دیگر را صرافان فرانس از طرف روس خواهند پرداخت، علاوه بر اینکه دولت روس ضامن ادای ده میلیون حصه خود خواهد بود، انگلیس هم فرانس را در ادای این وجه اطمینان کامل خواهد بخشید، رای اطمینان و اطلاعات کافی از حالات تجارتي و زراعتی چند ماه قبل سفیر فرانس مقیم طهران در سلك جنوبی ایران کاملاً سیاحت نمود، و اطلاعات کافی خود را بناظر خارجه دولت متبوعه خود فرستاده است پنج میلیون بقیه این وجوه استقراضی را نیز سرمایه داران و صرافان آلمانی خواهند پرداخت، و ضامن ادای وجهی که صرافان آلمان میدهند نیز دولتی روس و انگلیس خواهند بود

آنچه غیر رسانه شرایط این استقراض شهرت یافته ازین قرار است

(۱) این قرضه نصف با طلا خواهد بود و نصف

با نقره

(۲) سندات این استقراض در بازار صرافان

صدی بود و چهارم فروش خواهد رسید

(۳) تنزیل این استقراض سالانه صدی شش

هفتین شده است

(۴) مدت ادای این قرضه با قسط در هفتاد و

پنج سال خواهد بود ولی تا بیست و پنج سال دولت

ایران هر وقت بخواهد خواهد توانست حقه تمام وجوه استقراضی را داده سندات خود را جمع نماید، مشروط بر آنکه قیمت آن سندات را مناسب وقت به پردازد (یعنی سندات استقراضی ایران اهم بر اینکه از قیمت اولیه خود که بود و چهار است تنزل کرده باشد یا ترقی مطابق نرخ بازار آن روز باید به پردازد و سندات خود را برچینند

(۵) تا ادای وجه این استقراض دولت ایران بالا ساله هیچ گونه قرض خارجی و داخلی نمیتواند بنماید (۶) ضامن ادای اصل و سود این قرضه کلیه مواد نافه ایران است، و تا وقتی که این قرض تأدییه نشده هر راه دخل جدیدی هم دولت پیدا نماید درین ضایات شامل خواهد بود

(۷) بصحه دولتی روس و انگلیس و استصواب آلمان و فرانس مأمورین ادارجات مالیه ایران معین خواهند گردید، این مأمورین مالیه ابداً تصرف در مواد حکومتی نخواهند داشت، ولی حکام را لازم خواهد بود که در مواقع لازمه هر گونه حمایت از مأمورین مالیه به نمایند

(۸) قبل از وصول اقساط از سود و اصل این قرضه که سه ماه سه ماه پرداخته خواهد شد مأمورین اداره استقراض دیناری بناظر مالیه ایران نخواهند پرداخت، بعد از ادای اقساط قرض آنچه باقی ماند بناظر مالیه ایران پرداخته خواهد شد

(۹) این مأمورین استقراض که از طرف دول اربعه انتخاب شوند ملازم دولت ایران خواهند بود بمشاوره مناسب، و هر گاه قصوری در خدمت از آنها دیده شود دولت ایران میتواند بسفرای روس و انگلیس مراجعه نموده آنها را تبدیل نماید

(۱۰) دولتی روس و انگلیس ضامن اند که دولت ایران جمیع وجوه استقراضی خارجه و داخله خود را ازین وجه استقراض به پردازد، و سرحدات خویش را مستحکم کند، و باندازه ضرورت قشون تحت السلاح بوضع جدید بمشوره سفرای روس و انگلیس نگاهدارد و میلی ازین وجه استقراضی را در وجه خرید چند کشتی جنگی در حفظ سواحل ایران بکار برد، و بقدر لزوم اسلحه نیز خریداری نماید

(۱۱) دولتی روس و انگلیس در معاملات داخله ایران هیچگونه تصرف نخواهند نمود، ولی امتیازاتیکه دولت ایران بدهد اهم از داخله و خارجه اگر واجج جالیه مملکت باشد تا تأدییه این قرضه لازم است باستصواب دولتی روس و انگلیس باشد

جمعیت ملکه در (گاردف) وارد شدند

§ سلطان سراکو شریف (وازان) را روانه نموده که اصراب کوهستانی را مغلوب ساخته (سر هنری مکلین) را رهائی بخشد

§ از (سن رایشکو) واقع در (کالیفرنیا) خبر رسیده که یکی از نقاشان ما هر ژاپنی وقتیکه مشغول کشیدن نقشه قلمه بوده گرفتار شده است. این امر مورت وحشت فوق العاده در امریکا گردیده است. ولی در (واشنگتن)

بهیچوجه خبری از وقوع این واقعه نیست. این ایام اخبارات امریکا، غربی بکلی مستأوقتیکه جرائد (سنفرانسکو) در نیویارک اطلاع اند

§ نمایندة دولت (کوریا) در (پنسیلوانیا) در روز نزد (مستزوت) نمایندة دولت (کوریا) نامه تقیم نموده (مستزوت) جواب داده درین ماده هیچ وجه کاری نمیتواند بکند دولت (کوریا) را هر مطلبی باشد توسط دربار (واشنگتن) پیش بنماید (۳ جمادی الثانیه - ۱۴ جولائی)

§ امروز وقتیکه (مسیو فایرس) رئیس جمهوری ملاحظه سان قشون (لانگ جس) را عمده مراجعت میکرد قرب (مارگنس اونیو) دو (ریپلور) بر او خالی شد از حسن اتفاق نشان خطا نموده ضرر بیجهت وارد نیامد - مرتکب گرفتار و معلوم می شد جنون دارد

§ اعلان رسمی امروز در (پنسیلوانیا) اشاعت یافته که جنرال (استاسل) و فرتر - و سنمیوف - و ریوس (اخبارات کاذبه در راپوت جنگ داده و جنرالهای فراری را جهة یافتن سان سفارش کرده و این از حرائم بسیار سخت بشمار است

§ مخبر (روتر) از (سیول) پایتخت کوریا خبر میدهد که ۲۴ هزار مفسرین که در قصر شاهی پنهان بوده گرفته شدند مظلون جنان است که آنها در کین قتل امپراطور و وزرا بوده اند

§ ۶ هزار باغیان (کیف) که تذکره حالشان ۱۹ چون شده بود سزای اعدام ۹۲ نفر محبس دوام و هتار نفر به حبس ازمنا علقه دچار آمدند

§ پرنس (فوشیمی) ولیمه ژاپون بر جهاز جنگی (مونمونیه) وارد (یکوهاما) بد باکال شغف و مسرت اهالی ایشان را پذیرائی نمودند

(۴ جمادی الثانیه - ۱۵ جولائی)

§ از (فیض) پایتخت سرلو (۱۰۰۰) سرباز روانه شده تا سپاهیان را مدد کنند که در (میباس) کوشش در رهائی (سرهنری مکلین) می نمایند

§ کشتی موشک شکن انگلیس (لی) در (پلانیمونه) با حال خراب رسیده، با کشتی موشک شکن (هلاند) (فریس لیند) متصادم شده بود

§ پرنس (هنریه) آلمانی با یک دسته جہازات جنگی بسمت (برجن) رهسپار و در آنجا با دسته کشتی موشک شکن انگلیس ملحق می شود - نامه را عقیده این است که امپراطور آلمان که اینوقت در (برجن) متوقف اند این دستجات را ملاحظه خواهند نمود

§ جراید (نیویارک) می نویسند در ساحل (کالیفرنیا) اغلب با ژاپنیان و اهالی مشابه می شود

§ مخبر (روتر) از (توسکیو) خبر میدهد که (وایکونت هیاشی) در (سیول) ما تغییر لباس رفته است § جنرال (بونها) مبعوث مزدور معادن را در جواب اظهار داشته که مسوده قانون قاتی در این مجلس ممکن نیست امضا شود - ازین رو قبایس میتوان کرد که شورش مآخر رسیده است

§ (مستورسین) در شورای انگلستان بجواب (مستر ریس) اظهار داشت که انتظام راه های (سکین) و (هنکاگ) تکمیل شده در تدارک راه آهن دیگر میباشد. حکومت را خیال این است که دولت چین وفا بسپرد خود خواهد نمود

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیده که نقاش ژاپنی را که که بنصورت جاسوسی در (سنتیاگو) گرفته شده رها نمودند چه دلیلیکه ثبوت جرم او را نماند وی نیاقه اند

(۵ جمادی الثانیه - ۱۶ جولائی)

§ (شن) نمایندة دولت (کوریا) یکایک مرد و هاجا مدفون خواهد شد

§ والا حضرت خدیو مصر ار (ویانه) پایتخت آتریا بجانب (پاریس) رهسپار شدند

§ مخبر (روتر) از (سیول) پایتخت (کوریا) خبر میدهد که خبر ورود (وایکونت هیاشی) مبعوث اضطراب و بریشانی اهالی (کوریا) گردیده امپراطور (کوریا) بر سران ژاپون اطمینان ندارد، و از این رو قشون (کوریا) جهة حفظ ملک مقرر شده است تلگرافی از (تقیس) رسیده که جنرال علی شاه فرمانفرمای سابق قفقاز و زوجه اش (جنرال کاپیتان)

یک نفر سیاهی در راه از ضرب نارنجک قتل رسیده

§ در مجلس اعیان لندن (لاردر کپرداون) اظهار داشت که مجلس شورای ملی مهلت قلیلی به مجلس اعیان در غور و تأمل بر مسودات خوانین میدهد (لاردر کپرداون) اظهار نمود که مجلس اعیان هرگز گوارا نخواهد کرد

که درین ایام اخیره مسودات قوانین زیاد بر سر سازبخته شد - وضع قوانین لازم است با کمال غور و تأمل شود

(۶ جمادی الثانیه - ۱۸ جولائی)

§ در (لاباری) مجریه کامل از (بالون) نموده اند لفا از دولت فرانسه حکمی صادر شده که فوجی که دارای (بالون) باشد مرتب دارند

§ مخبر (روتز) از طهران خبر میدهد که بمجرد شنیدن این خبر که زن مسلمة در خانه یکی از بود است . انقلاب و شورش بین مسلمانان برپا و نزدیک بود که تلاف نفوس بسیار واقع شود . ولی پلیس به موقع رسیده جلوگیری نمود . معذالك (۲۰) نفر از چود مجروح شدند (دست مستبدین درد نکند گویا آرام نمی تواند به نشیند)

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که جراند امریکا درباره جاسوس ژاپنی هیچ نمی نویسد - توجه آنها این ایام بیشتر معطوف به امور (کوریا) میباشد § در قاهره مصر اغلب از تجار و کسبه کم برجا به داد و ستد را مسدود نموده اند - خوف اینست که دیگران هم قاید از آنها نمایند

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که پادشاه (کوریا) بزودی از سلطنت دستبردار خواهد شد - اقتدارات امپراطوری را دارند کم کم مخفیف میدهند قابلی که با سلطنت نمایندگی ژاپنی منیم کوریا تصرف خواهد شد - اطلاعات زیاد در (سیول) شایع شده که افسران ژاپنی را باید قتل نمود

§ رؤسا و امرای دولت متحده امریکا را اراده اینست که تعرفه گمرک را ترمیم نمی شود داد ما وقتیکه انتخاب رئیس جمهوری جدید شد

§ استقراض منجوریاتی جهت تعمیر راه آهن از قرار سود صد پنج ضمانت دولت ژاپون در (لندن) و (سویژند) فیصد نود و هفت شده است

﴿ تمة صفحه ۱ همین شماره ﴾

پس از قرائت این تلگراف حاجی علی آقا قراجه داعی، لطاق نمودند که مدلول این تلگرافات طهران مندل است که دولت و دولتیان بالمش نرم زیر سر شما هاگذارده و میخواهند مقصود خود شانرا در این ضمیر فیصله نمایند

حاجی علی آقا حریبی نیز نطق کردند که از قرار معلوم است تأخیر قانون اساسی آقا شیخ فضل الله است

جناب آقا میرزا آقا نیز تقریر نمودند که من با شخص صدارت در اسلامبول صحبتها کرده . و از مکتوبات او آگاهی حاصل نموده ام . میگویم و در روزنامه بنویسند اگر رشته امور ایران ششاه در دست انابك باشد ایران را همسایه ها تحویل خواهد داد در اسلامبول حرفی که بمن گفت این بود خیابانی که من بملت ابراش کرده ام این است که پس از قتل ناصرالدین شاه آنکه میبایست بکنم نکردم . و شواهد قول من همین انقلابات و اختلافات داخله ایران است که مشاهده می نمایند و نزدیک وارد خاک ایران شده است آنست که نقطه از خط ایران سر بلند کرده . شایعات پس از ورود این شخص حاشی در وقت فرصت فوت نشده . هرچاره درکار خط و درازد و میدانید بنماید که بدبختانه ناموس ملك و ملت را دست احد نسپاریم و خود را از این مخاطرات حافی و عرض و ناموسی رهائی بخلاصی دهیم . و الا مشتم برواضح است که اگر شخص انابك در انجام قانون اساسی ماطله نداشته باشد در مقابل شاه جناب مستطاب آقا سید عبدالله آقا شیخ فضل الله را باعث ماطله قرار نمیتوان داد . تاجی این خرابیها داخلی و خارجی که داریم از عدم مساعدت شخص انابك مستفید تراد بود و بس

﴿ جبل المتین ﴾

هیچ بدبختی برای ملت و دولت ایران بالاتر از این تصور نمیشود که امیرالسلطان متصدی امور ملك و ملت باشد وقتی کف افساس بهم خواهند سود که تیر از شصت رها شده باشد . ما آنچه وظیفه خیرخواهی است سالها نوشته ایم و بازم فر گذار نمیکنیم . ولی باید دانست قول یا فعل تا توام بود صورت خارجی پیدا نتواند نمود . اهالی طهران را از سی سال با این طرف مرعوب خود داشته . ابداد در ماده آواز آنها کاری از پیش نخواهد رفت و نیسا امیدوار بآنها بود مگر رحمت اهالی آذربایجان این ناز را از سر راه ترقی ملت و دولت بردارد همدست او پادشاه صاف درون ما را اغسال نموده و نمایند . و در خط مکنون خویش حرکت داوند . پادشاه را از ملت میبرنجانند . ملت را از پادشاه مأیوس میکنند . و مطلق قصد شان اقتراض سلطنت و خاتمه حیات پلیدی ایران است . هرگاه اندکی در اقدامات او از بد ورود الی الحین پارک شوید ملت خواهد شد که خطخواهان ملت و دولت چه عرض میکنند درد وطن بقی داوند نه عرض شخص

امیرالسلطان از پترسبرگ همین دستور العمل را همراه آورده، و از روی قطع در خصوص استقراض ایران مخازره در پترسبرگ می شود، خائنین در داخله هم سعی اند که هم گوش ملت را برای ضرورت قرض بر نمایند، و هم اعضای شوری را با خود در قرضه خارجه متفق کنند آنوقت البته کارشان بر مراد خواهد بود، و هر گونه شرایط باشد دولت خواهند قبولایید، خداوندشان درین متصود تأیید نماید، دلیل هم این است که در مجلس سری پارلمان زمزمه استقراض را امیرالسلطان نموده، و روزنامه شریفه مجلس هم نگاشته که (حضرت اشرف در خانه کعبه قسم یاد نموده اند که قرض ز خارجه نه نمایند) گویا این نکته درین لباس که از ایشان نشر نموده هیچگونه تشریح ما را لازم نداشته باشد هر کس روزنامه شریفه مجلس را خوانده بی عقاصد رندانه رندان برده است (ترکان سا اعل را وارونه زن)

باید منتظر شد که کی این طشت رسوائی از نام بیوفتد، این مرد با صداقت و وطن پرست با حقیقت چندر طامت ابرار را کودن تصور کرده و واقع هم مستم که ما این خرافات دل خوش کن دشمن هم چیز خود را بر گردن خویش سوار کرده و امیدواریم ما را بمنزل منصور هم برساند.

گفتگوی استقرض جدید ایران عالمی را بر نموده، و از يك ماه است که ما هم زمزمه آغاز بدیم، ولی هموطنان ما ادا واقف از آن نیستند و ناوقتی پول ماسم رجال خان در سنگ های خارجه جمع نشود مطامع نخواهند شد، آهم از اطبارات ترکی یا عربی تف بر این زندگی اف بر این غفلت !!!

ای حسیج اسلامیه و ای ملت غیور آذربایجان غفلت نورزید، کلام حق و سخن صدق همان است که نگاه گوهر دانش و سیاست خطاب آقا میرزا آقایی مجاهد اصفهانی در الحمن ملی تبریز فرمود که (اگر این مرد جنیدی بروی کار باشد دست بسته ما را تسلیم اجانب خواهد نمود) کرده های قدیم او که بر احدی مخفی نبوده نیست، کرده های سه ماهه اخیر وی آیا مکنوات او را بر شا بزرگواران ظاهر نه نموده است؟ بحقیقت دیات محمدیه (ص) سوگند تا او متصدیه امر باشد محال است مجلس و ملت را موقع هیچ گوه پیشرفتی دهد، چنانچه از روزی که آمده تا امروز نداده، و هزاران گره برای ملت و دوات رقصانده است، معنی کلفتی رو این است که چنین شخص در مجلس سری شورای ملی محبت از استقراض نباید، اطان از غفلت افغان از معاضه !!!

(۱۲) دولتین روس و انگلیس برای تعمیرات مانی و ترقی ایران میتوانند بعضی کپانیها بسرمايه مشترکه از ایرانیان و ملل اریبه روس فرانس آلمان و انگلیس گتم نموده به کارهای نافعه اقدام نمایند

(۱۳) دولت ایران قرار داده که ازین وجه استقراضی مبلغی در راه تعلیمات ملیه نیز صرف نماید، و متعتم دارد که در جمیع مدارس جدیده ایران تعلیم يك از زبانهای روسی و انگلیسی را لازم قرار دهند (۱۴) دولت ایران ازین وجه استقراضی باید جمیع ادارجات خود را منظم نموده، و عمشوره سفرای روس و انگلیس مالیه خود را که پس از ادای اقساط قرض باقی ماند با ادارات موجوده از روی مناسبت تقسیم نماید

اخبار موصوف پس از شرح مفصلی که درین موضوع نگاشته می نویسد، این گفتگو از بزرگ انتشار یافته، و در فصول معاهده اتحادیه روس و انگلیس نیز اشاره باین موضوع شده است.

هر کس اندک مدرك داشته باشد و در فصول و مواد این استقراض نفور و تأمل نکرد، خواهد دانست که اگر دولت ایران واقماً این شرایط را قبول و این استقراض را بنماید بیع قطعی ایران نموده نه استقراض، تحقیق این نکات دقیقه و تشریح آت تا امروز از وظائف نامه مایه (جبل المتین) بوده ما وطن پرستان راست که اخبار بدست آورده بدان مرکز مقدس که محل توجه جمیع افراد عبور ملت ابرایه است اطلاع دمیم (خادم ملت و وطن)

(حسین ابن محمد علی دیلمقانی)

جبل المتین

این خبرها ادا در ایران نیست، و نباید هم باشد، بلکه امروزه باید مانند اتحاد روس و انگلیس که دو سال قبل وقتیکه ما نوشتیم اسباب مضحکه و مسخره اراکین دولت شد مایه استهزاء گردد، تا روزیکه خدا بی ما کرده کار از کار بگذرد، و تیر از شصت رها شود، که هر چه بر سر زمین و انگشت ندامت بدندان گزیم قائده و غیر نه بخشد آنوقت برخی از غیوران ایران چشم مالیده گوش بدهند که این چه هیاهوست معلوم می شود حقیقت پیدا کرده

(من چه گویم در همه ده زنده کو)

اگرچه ما نمیتوانیم بگویم نگارشات اخبار (ویلز) تا کجا مقرون بصحت است، ولی از روی ونوق میگویم که خائنین بدولت و ملت امین السلطان را بایران جلب نکردند مگر برای ترتیب يك استقراض جدید، و

ای ملت غیور ایران اگر استقلال دولت خود را میبخواهید، اگر مشروطه را که با هزاران جان بازی حاصل نموده اید بخواهید، اگر حریت ملت ایرانیه را از رقبت اجانب بخواهید، امین السلاطین را از سرکار دور دارید، ورنه جمیع زحمت شما بیهوده خواهد رفت مضار او بهات و دولت ظاهر و قبح او موهوم است استدعای ما از اعضای شورای ملی فقط این است که مسئله استقراض را اعم از خارجه و داخله نگذارند و برای سرنا با صداقت در مجالس سری پارلمان بنمایند آنها خیلی پرور و زورنگ اند و شما بزرگواران ساده بحق خدا گولتان مینند

ای غیرت مندان تبریز و ای وکلای غیور آذربایجان امروز چشم جمیع ملت ایرانیه خارجه و داخله بشما بزرگواران است، از حالا مانتقت این مسئله اهم مایید، و نگذارید دوباره باسم استقراض مات و دولت را با جاب بفروشند، و در تشکیل و افتتاح بنک ملی اقدام فرمایید، که زیاده این گونه خرابیها از داشتن بنک ملی بسنت عموده و خواهد نمود

نقل از روزنامه شریفه انجمن تبریز

(تلگراف از انجمن مقدس ملی تبریز)
(بتوسط وکلای محترم آذربایجان)

حضرت اشرف اقبال اعظم - مات آذربایجان بی برده اظهار عرض میدارد، صدق مقال اینست که از روز ورود حضرت اشرف اطراف آذربایجان بلکه تمام نقاط ایران دچار انواع مصائب شده است، و ظهور این غوائل با آن امیدوارها که بکفایت حضرت اشرف داشته اند مخالف است، بلکه کم کم داعی بریضی شیوات از برای طامه مات شده است، لذا در مقام خیر خواهی عرض میکنیم که جهت اطمینان خواطر ملت باید فوری عزل اقبال السلطنه را از پیشگاه همیونی بخواهید که موجب سکون هیجان ملت شود، و تلگراف خوی را هم از نظر مبارک بگذرانند، و ملاحظه فرمایند که کدام حس میتواند راضی باین فجایع شود، نتایج توقف چهار ساله حضرت اشرف در ممالک متمنده نباید موجب این قسم ظهورات غیر منتظره باشد، فوری عزل اقبال السلطنه را با تعیین مأمور مات پرست کافی از شخص حضرت اشرف متمنی است (عموم ملت)

جواب تلگراف امین السلطان

قریب باین مضمون در انجمن مقدس ملی
تبریز قرائت شد

(در بدو امری که بشنای این دریای موج باوجود

مواجهه این مخاطرات عظیمه اقدام کردم، بامید اینکه اهالی ایران در انموقع که خود را بتلافی از منته گذشته حاضر نموده و دولت و مات دست بهم داده در پی تحصیل سعادت ابدیه و حفظ حقوق ضایعه و از دست داده، خود از خواب چندین ساله غفالت بیدار شده اند رنج را براحت مزیت داده و تحمل این بارگران را که بسی دشوار بود عموده و از روزیکه وارد خاک ایران شده ام با انقلابیکه قبل از ورود من در تمام نقاط ایران حادث بود محمده نا یکدرجه در کلیه اوضاع ایران مقدمات تصفیه مشاهده است از قبیل اسکات فتنه فارس و و و که با اینهمه با اقتداری دولت وعدم مساعدت اسباب انتظام امور باز تا نواسته ام از خدمات وطنی و مات قدیمی و ایس نگذاشته و درینموقع فرو گذاری را منافی عصیت ملی و وطنی پنداشته ام، و تا اندازه که امکان پذیر بوده درصدد اصلاحات برآمده ام، لیکن با وضع حالیه پاره تکالیف فوری الار امانی دولت و ملت که خارج از تعقل است اسباب دلسردی متصدیان خدمت شده، و طابع از پیشرفت کار خواهد بود، خاصه که مشوب بشوائب - و غلظن بوده باشد که آذربایجان را که اولاد غیرت وطن هستند عارض و حادث شده باشد، خواهش دارم که اقدامات صحیحه مرا از سوء ظن مبرا دانسته و مایکدلی و یکجهتی بیات و اقدامات مرا خالص بدانند) و تلگرافی خیلی سخت نیز در تحقیق واقعات ما تو و اقدامات لازمه در اصلاحات آنجا بفرستد حکمران کل بخبره شده بود قرائت شد، متضمن بر این بود که هر نوع مقتضی بدست با اختیار نامه که از طرف دولت در رتق و فتق امور دارند بنمایند (تمه در صفحه ۲۴ همین شماره)

آر خامه یکی از دانایان عراق عرب

سلوک عثمانیها با رعایای ایران در عراق عرب همه روزه سخت و شدید می شود، و بیشتر این تشدد بابتیک است، میبخواهند مات بدولت ملتجی شده، دولت از آنها خواهش عموده، هم منق بر سر دولت در قبول آن بگذارند، و هم در عوض بک خواهش بزرگ بابتیکی از دولت بنمایند، و این امر مسلم گردیده که این تدابیر و دستور العملها نیست که گویا سفیر خود مان که از یک سال است مأیوس از همراهی ملت و دولت بحرکات خائنه خویش گردیده عثمانیان میدهد، هم عثمانیها را بظاهر حامی خود ساخته، و هم از طرف آنها فایده حاصل می نماید،

شاید آن روز نزدیک رسیده باشد که حجج اسلامیه و طلاب علوم دینی و مهسأ جریب مات ایرانیه عودت بخاک پاک وطن خود بنمایند، و مرکز تعلیم و تعلم را

علاوه بر این کتاب که مختصر علی بن ابی طالب است و در آن
آلاف نکته و آیه قرآنی قرار داده، موقفاً آمد و شد زوار
و چشم بینندگان را باطنش منع نمایند
این نکته را باید غنایست که در دست نخور و تأمل
نمایند، که حقوق تجاری و سیاسی و حفراتی و مذهبی
ایرانیان از ابتدا تا کنون در عراق عرب مسلم بوده
و هست، و اگر بملاحظه جامعه اسلامی نبود، و
رؤسای روحانی ملت و دولت را طاع شده، خون
و برقی بن مسلمین را منع نمی نمودند، هرگز تصور
نمی شد که غنایان تا آن درجه در عراق عرب
متوانستند با ایرانیان علم و اجتهاد نمایند، خداوند
عالی اعلام را سلامت داد، که تورات صلح و سلم
اسلامان گردیده اند، ولی بدبختانه می بینیم سلوک غنایان
در خاک خود با ایرانیان خصوصاً درین مملکت که ایرانش
باید گفت عاقبت سزای خاطر اسلامیان را مکنز
خواهد ساختند، و اتحاد فتنه را بدل باختلاف خواهد
نمود، خوب است این نکته را غنایان از روی
حقیقت بدانند که مزاج عالم تغییر کرده، خصوص
اوضاع ایران و ایرانیان، وضع امروزه ایران را نمیتوان
نسبت بایام قبل داده ازین و بعد ایرانیان صرف ملیت
و حقوق سیاسی و تجاری و شرعی و عقلی خود را
شناخته تعقیب خواهند نمود.

برقابطه ارباب پیش و دانش روشن است که
ملت ایرانیه از روی سیاست مذهبی هرگز نمیتواند
ترك عراق عرب را گویند سکه عراق سکه ایران،
نقشه آن شامل در حفراتی ایران، ثروت عراق همه
از ایران، آبادی عراق جمله از ایرانیان، نصف نفوس
عراقی ایران است، هرگاه یکی ازین حقوق محققه را
دولت دیگری درین مملکت داشت، امروزه غنایان مشکل
خود را تا آن حد خطه تصور نمی نمود

تا هرگز توطئه نمیدهم کذبین غنایی و ایران شمشیر
مخافت کشیده شود و دشمنان اسلام بر همه مسلمانان
چیره شوند و بدین واسطه قتل و کدورت خدای
ما خواهد شد بدان بجمع مسلمانان پیدا شود غنایان پیش
از ایرانیان باید درین موضوع ساهی و گوشش نمایند
بچه صرفاً بلایی و آنستند که آنها بخواهند اتحاد
ایرانیان است

مثلاً آمده است ایران و عثمانی و طبعه بخاک
باید تبدیل، و حقوق بشرو غنایان ایران
تسلیم شود، یا غنایان عراق عرب را بدولت ایران
احاره دهند و دولت ایران از روی بیانت و اصافه
حقوق عثمانی را در آن نقطه نهایت درجه محفوظ دارد،
و هرگاه غنایان بدین امر رضا دهند از یکطرف اثر
منجر بسختی با ایران خواهد شد، و از طرف دیگر
پس از رسیدن خط آهن آلمان بدان نقطه، آلمانها
حقوق عثمانی را در اسراعات نخواهند کرد، ولی دولت
ایران هم باقی نماند خود است، و هم جامعه
اسلامیت را ملاحظه نموده و خواهد نمود

هرگاه عالای اعلام و مهاجرین ایرانی برای بیج
سال ترك توقف عراق عرب را گفته، در مشهد رضوی
(ع) قیام فرمایند، و زوار را منع از آمدن براق
عرب کنند، و بالاتفاق قرار و مدار برای پشرفت
این امر خبر داده، صندوق خیریه از رویی انتظام
صحیح که حایه اطمینان جامعه ملت باشد مقرر بدارند و
چنان اقدام شود که هرکس درین مدت بجهت اراده
زیارت کند مصارف آنرا در صندوق خیریه اعانت گذارد،
پس از بجهت معلوم خواهد شد که از حالت وجه
میتوانند تمام خاک عراق عرب را بخرند، مشروط بر
اینکه عالای اعلام از روی حد و حقیقت متفقاً اقدام
فرموده، از عراق عرب بحاجت ایران حرکت نمایند،
افسوس که تاکنون عالای اعلام از قدرت و قوت حقیقی
خود واقف نباشند، و بواسطه همین عدم وقوف آن
بزرگواران است که غنایان هرگونه زیادتی میکنند
در حق آنها مرعی داشته آید این سیاست می بشینند
ملت با بجهت در راه، آسایش و حفظ عظمت و احترام
شما بزرگواران از بدل مالد و جان مضایقه ندارند،
شاید نباشد که غنایان در حق شما چنین سلوک نموده
شما هم ساکت مانید

شما عالای اعلام تا امروز حفظ بیعت اسلام را
نموده، همه قسم تعهدات غنایان را تسلیم نموده اید
یعنی استمسنا بزرگواران آنگاه، شمه اید که اگر
چندتی میکردید بزرگواران سکونت اختیار نمایند، باید تلح
آلمان در عراق عرب بجهت هرکس بخواهد سیاست

با مشروطیت بحث نه نماید ، حجج اسلامیه عموما و طلاب غیور قاطباً خود را مؤسس و مؤید مشروطه و دشمن و مخالف استبداد میفرمایند ، جمیع علمای بزرگ بر وجوب مشروطیت فتوی داده ، و استبداد را کفر و زندقه نوشته اند

دیروز در سخن مطهر جماعتی از اجله آقایان و فضلا ایستاده این مسئله موضوع بحث بود که برخی علمای طهران نوشته اند که هیئتی باید از علمای اعلام هماره ناظر بلکه حاکم مطلق بر مجلس شوری باشند یکی از آقایان ازین امر بر آشفتن فرمودند این بساطی است که میخواهند مخالفین مشروطیت بدین وسیله مجلس را برهم زنند ، اعضای شورائی که تحت نگرانی چند نفر غیر از منتخبین ملت اسلام قرار گیرد شورایی مشروطه اسلامی نباید گفت بلکه چنین مجلس را باید بالاتر از استبداد دانست ، حکم همان است که در یکی از بندهای قانون اساسی بطریق جامع و مانع نگاشته آمده یعنی احکام مجلس در صورتی سمت قانونیت پیدا میکند ، که مخالف با قوانین شرع انور باشد ، همین نکته کافی است از نگرانی جماعت دیگر از علماء البته ازین و بعد علماء اگر زیاده بر این میخواهند دقت فرمایند باید وکلای خود را از فحول علماء تعیین نمایند ، که وجودشان در نگرانی احکام مجلس کافی از دیگران تصور شود و حال آنکه از قراریکه با موثقاً خبر رسید وکلای علماء که در مجلس شرکت دارند همه مردمان فاضل متقی کار دانی هستند و جماعتی از آنها بجهت و مجاز اند علاوه بر این بالغ بر نصف وکلای سایر طبقات نیز از علماء و فضلا و دامایان و اهل افتاء میباشد و از روی قطع کثرت آراء هماره بطرفه وکلای علماء خواهد بود گذشته بر این اگر کثرت آراء برخلاف امر مشروعی قرار بگیرد مطابق همان بند قانونی که ذکر شد از موضوع قانونیت خارج خواهد بود مشکل این است که اگر در این امر سخت ایستاده اجرا همبند چند عیب در او پیدا خواهد شد ، اگر آن هیئت را سلطنت مقرر نماید کم کم زبردستی دولت را مانند ارباب لقب از علماء ایران قبول خواهند نمود ، چنانچه از وجود آنها هیچ فائده بملک و دولت پیدا نخواهد گردید

معاصد آلمان واقف است نیکو میداند که عراق را آلمان برای عثماني باقی نخواهد گذارد ، ولی هرگاه اقدام نموده و ملت و دولت علیه را وا دارد که این خطه را از عثماني خریدند یا اجاره نماید ، دست آلمان کوتاه خواهد گردید در صورتیکه دولت عثماني بیکی ازین دو امر رضامند و حقوق ما را ضایع خواهد و منافع خویش را هم ملققت نشود ناچار باید امر را حواله به تقدیر نمود ، آنوقت معلوم خواهد گردید که بیک جنبش ایرانیان دست و پای عثماني در آن خطه از کار خواهد افتاد ، خوب است درین موضوع علمای اعلام درست غور فرموده پشت و روی کار را دیده ، حیر و صلاح اسلام را منظور داشته ، اقدامات لازمه را فرمایند ، این سیاست راجح به نفس نفیس آن بزرگواران است ، و ناوقت آن بزرگواران درین موضوع اشاره و اقدامی فرمایند ملت و دولت ایران هیچگونه اقدامی نخواهند نمود

مکتوب از نجف اشرف

علمای اسلام خواه و طلاب غیور عراق عرب در ماده سلطنت مشروطه ایران و قانون اساسی قیامت می نمایند ، مخالفین سلطنت مشروطه را کافر و بی خواهان سلطنت مستبده را فاسق و فاجر میگویند ، اوائل جزئی القاء شبهه نموده میخواهند اختلاف کلمه در میان علماء بیندازند ولی چون به تأییدات امام عصر (عج) مخالفین قوت نیافته سکوت را اسب دانستند تا وقتی که مقدمه آمدن امین السلطان بایران شد ، و چند نفر طاران خوش خط و خالی با پولی هنگمت وارد عراق شده ، بنای فساد را گذارند ، هیچ کاری از پیشان نرفت حز بولی خرج کرده خود را مفضح و توهین نمودند ، از وقتی که امین السلطان وارد ایران شد اختلاف در گرفت مخالفین خواستند بذریعه جماعتی از ملانمایان ایران امر را بر علمای اعلام نجف اشرف مشتبه نمایند این دفعه طشت شان از بام اوقفاده اغراض آنها باسلام و اسلامیات علی رؤس الاشهاد ظاهر گردید عام و خواص دانستند که این نواها از ساز که بیرون می آید ، چون حقیقت کشف شده حالا احدی نیست که برخلاف استبداد ، و همراهی

و اگر ملت انتخاب نماید مورت اختلافات عظیمه خواهد گردید، و عاقبت منحرف بسادات بزرگ تواند شد بیّناتاً ترك چنین انتخاب اولی است اگر آن هیئت را علما انتخاب نمایند باز هم حسو و زاید خواهد بود چرا که سی نفر متجاوز را علما از جانب خود انتخاب کرده اند

و هرگاه مقصود این است مجلسی در خارج فوق مجلس شوری مقرر شود، اول آنکه مایه اختلاف خواهد شد و ثانیاً از شؤونات شورای اسلامی میبکاهد و ثالثاً چون علمای شیعه رئیس متساعی را بر خود تسلیم نه نموده و بظاهر مشکل است تسلیم نمایند این مجلس بوضع حقای صورت نمیند، در صورتیکه اقتوای مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی رحمة الله علیه در ماده ترك استعمال دخانیات جماعتی از علمای ایران اختلاف نمودند، نمیتوان اطمینان حاصل نمود که هر حکمی را این چند نفر مخصوص بدهند دیگران اتفاق به نمایند، ازین رو اسباب هرج و مرج و اختلاف عظیم بر پا خواهد گردید، و کلیه امور ملك و مات مختل خواهد ماند

بتر از همه این است که بدوا علما خود المحسن بین خود قائم نموده، و در هر زمان يك نفر را رئیس مطاع قرار داده در آن صورت آن شخص که قولش مسلم کل شود هر قانونیکه موضوع اختلاف در پارلمان واقع شود که موافق با شرع است یا مخالف رجوع بوی نماید یعنی در قوانین ماه الاختلاف استیناف به آن عالم نموده، قول وی را حکم فیصل قرار دهند، ورنه باین اصول ملوك طوائفی که امروزه در همین نقطه قبه الاسلام ملاحظه می نمایند، بطور می شود قول چند نفر را مطلقاً حکم فیصل قرار داد

جماعتی از طلاب غیور آذربایجان و قفقاز تمام این اختلافات را از مهمان تازه رسیده ایران میدانند ازین رو بسدا آمده احرای فتاوی چهار سال قبل علمای نجف را خواستگار شده این مسئله با کمال قوت و وحوش موضوع بحث است، که علما را باید مجبور نمود که فتاوی خود را تجدید نموده بر سر احرای آن هم بایستند،

بهر صورت اختلاف بین طلاب و علما در مشروطه خواهی باقی نمانده مستبدین باید ازین مرکز قوت مایه اسلامیة صرف نظر نمایند، از آن باید ترسید که ازین

مرکز مقدس برخلاف استبداد سدهای مهیب بلند شود، علما و طلاب مقتضیات وقت را از دیگران بهتر دانسته که ایران و ایرانیان بلکه اسلام و اسلامیان در شرف اضمحلال اند و اگر بوضع شرب الیهود اولیه باقی ماند لا محاله مسلمانان ذلیل کفار خواهند گردید

سؤال از حضرت حجة الاسلام

والمسلمین آقا شیخ عبدالله مازندرانی

(مدظله العالی)

حجة الاسلاما ادام الله ایام افاضتك الکبری چون اشخاصیکه مشروطیت مناقات با اغراض فاسده ایشان دارد هر وسیله در منع از انجام آن میگویند شاید ادهان مبارکه را از اسباع جمولات و اکاذیب خود مضطرب نمایند، شرح اجالی در این باب داده شده بچند سوال مذیل میشود، وحوایها را برطبق قوانین شرعیة مصطویه علی الصادع بها آلاف التحية والثناء مرقوم فرمائید

مردم ایرانرا ملجأ بطلب مشروطیت نموده مگر چند چیز

اول - تسلط تام ظلام و حکام و صاحب منصبان و ایل بیگها و ارباب نیولات و تعدی فاحش فوق العاده من دون حق از ایشان بر نفوس و اموال و اعراض مسلمانان و سکوت دولت از ردع و منع ایشان بخویکه تغلم مظلوم بچاره مسموع نبوده و ظلام بسبب پیش کشیها بدولت همیشه مقصد خود را نایل وضعفایه متشرعین که در شرع انور احرار میباشند بدتر از رفیق حرری شده بودند

دوم - این قرض میثوم دولت که دیناری از آن در مقاصد عقلانیة مملکت صرف شده و موجب مفاسد عظیمه گردیده از قبیل تسلط کفار و عزت و نفوذ امر و نبی ایشان در بلاد مسلمین و امتیازات بجهة ایشان از راه آهنین و کمرک و معادن و غیرها و غیرها و شیوع منکرات از قبیل شرب و قمار و لواط و زنا و غیرها و غیرها

سیم - حبس نمودن ارباب قری ارزاق مسلمانان را بخویکه غالب سنوات را بنیلا بلکه بقسط میگذرانند و

حال آنکه گندم در اینها سبز و متمغن میشد و فقراء
ببخاره نوحا حیرت ناز گندم خلص را داشتند آنهم
با سنگ کم فروش، این مفاسد که جامع آنها تعلق اهتمام
تمام دولت یسوی تمیض و استقرار هم عظیم اینها و رجال
بر جمع اموال خطیره و چشیدن رعیت از یصاحی
شرمت مرگ را در زندگی میباشد، داعی بر هبجان
عمسولم رعیت گردهنده تلاریکه بر مشروطیت باز است
عبارت است از اجتماع اشخاص بختیج الاعتقاد و اخبار
و تحدید حدود ملت و تعیین وظایف حکام و حفظ
وکلای ملت و اردات دولتی را از تلف، و تربیت
عسکر و حفظ ثغور و استخلاص دولت از قرض خارجه
و استنقاذ مملکت از کفار و رد امتیازات و حمایت
ملت بدولت بخویکه با رغبت خودشان عسکر دولت
باشند برای حفظ بیضه اسلام، و نهی از منکر و سد باب
ظلم و بعبارة اخری مشروطه کلمه حق بردها الباطل
تقویة این مشروطه بخویکه موجب رواج امر معروف
و نهی از منکر شود و مستلزم ترک تعلم مسائل شرعیه
و اطلاع بر مطالب دینیه شود لازم است یا نه؟

و تقویة از مطلقه بودن که عشری از اعشار قبایح
آن بتقریر بنماید حرام است یا نه؟ و در این جزء زمان
که سلطان اسلام ببقوه از مدافعه خارجه شده بر عموم
مسلمین تعلم طریق جریب و تکذیب آلات آن بخویکه
در اندک زمانی آلات حرب در بلاد مسلمین و فور
و مساین را آن جنسان مهارتی حاصله شود که قوه
مدافعه خارجه داشته باشند لازم است یا نه؟

(بایضاً)

کسی که در مساجد و مجالس صراحتاً یا کنسایه
لساناً یا کتباً توهین برنوع عالم بکثر الله امثالهم بگوید
بخویکه موجب دلت و بیوقعی ایشان در انظار مردم
شود چه حکم دارد بنیوان توجروا

جواب خبیه الاسلام مازندرانی

بمدظلالمالی

(بسم الله تعالی)

آنچه از اول استماع این امر الی الآن در اذهان
ما داخل شده این بود و فعلاً نیز تغییر از این اعتقاد
ندارم که هم عرض از انتقاد مجلس شورای سفیظ جنونی

نوع بندگانه خداوند عالم در جل شایسته و در حدیث دولت
و جلوگیری از نشر ظلم و ستم و بعبارة اخری اجتناب از
مخلوقین بوده، و بعبارة دیگر تقویت مذهب نبوی مازندرانی که
ضرد او راجع برنوع ملت و اهل مملکت است بوده،
و حسن آن و وجوب آن ثابت است بدهیه بحکم
عقل و نقل، پس چگونه لازم نباشد تا هر عادل قاری
و مقدر تقویه، آن اما مطلقه پس اگر مراد از آن
خلاف این معنی مشروطه است و لوازم آن
بر خلاف آثار مشروطه است که ذکر شد، البته تقویة و
همراهی آن قبیح و حرام است، و اما تعظیم و تعلم و
استعداد دفاع از مسلمین کفایت میکند در خوبی بلکه
لزوم آن تشریح سابق ورمایه و ایجاب جهاد و مرابطه
که در شریعت مطهره ثابت است

و اما سؤال اخیر که حکم متجربین بر شرع
و اهل شرع، البته این مرتبه کفر است و اجراء
حدود شرعیه بر آنها لازم است و در این روزها
صورت اعلانی و در زیر آب شرعی خطاب این
احقر امام نوشته بود، از تبریز با پست بقرری
سفارشی رسیده از بی مایی بلکه از بی پدر و مادری
و یشت پاکت مهر آن طیاره است الله الجسیق بودیه
تمام کلمات خبیثات آیات آن از کفر و زندقه و الحاد
و ربا ن هتک و توهین گشوده بر شرع و شریعت و
بر حضرت عیسی بن مریم و حضرت خاتم الانبیاء
صلی الله علیه و آله و اعلی حضرت اقدس بادنه اسلام
و علماء اعلام و خود را سبت داده بطالب مشروطیت
و خواهان حریت، و اعتقاد دارم و میتوانم بر این
اعتقاد قسم یاد نمایم که این خبیثت خواهان حریت و
دین و مذهب است نه خواهان حریت از ظلم و ستم
و این از کمائی است طالسب بظلم و ستم و جور و
میخواهد در اذهان داخل کند که این اعتقاد باطله
که مضمون کلمات خبیثه او است نباشی از مجلس محترم
است، و مجلس را تمام نماید و بیکه اعلی حضرت اندیس
شهر یاری و علماء اعلام را از مجلس شوری منصرف
نماید و بمقصد جور که ظلم و جور است برسد (بر بدون
بصواب توراتی با فواصم و بانی الله الا ان رحم نوره ولو
بکره الکافرون) (بعبارة اخری مازندرانی)

مکتوب یکی از شاگردان

مدرسه لیون فرانسه

هرگاه ازین و بعد نیز آنچه ما می بینیم و میفهمیم در بونه استتار گذاریم و بملاحظات شخصی مانند ایام سلف شتر دیدی نه تصور نایم زهی بد بختی و جهالت چه متفق علیه جمیع سیاستون عالم است که مسائل راجحه بعامة تا وقتی موضوع بحث ارباب حل و عقد نشود تصفیه نتواند شد و تا به نظر قص و عیب جوئی در او ننگردند کامل و بی عیب نخواهد گردید این است که آن مدبر محترم همواره میفرماید (در گفتن اریست که در نگفتن نیست)

لذا این بنده که یکی از شاگردان مدرسه لیون فرانسه می باشم عنوان ذیل را از روزنامه معتبره (مارسیس دون) که بابت آلمانی اشاعت می شود ترجمه نموده تنقیح مسئله را برای آن مدبر محترم حواله میدهم

ترجمه از اخبار ماریس دون

(چنانچه از تلگرافات مستفاد می شود رئیس مجلس شورای ایران بنوعی که بدوا تصور می شد از اصول پارلمنتری و وضع پارلمان های دنیا بخوبی واقف میباشد نیست ، و بهمان رأی که از پارلمان خواه در مجلس عاق یا سری حاصل شود قناعت می نماید ، و شاید چنین تصور می نماید که رأی شصت یا هفتاد نفر که در مجلس حاضر اند کافی از مصالح امور يك ملك وسیع و ملت بزرگ تواند بود ، و گویا همچو کمان شده همین که ملت و کلا انتخاب نمود دیگر هیچگونه نیاید در امور صحبت داشته بحث نماید ، اگرچه هرکس میداند رأی رأی و کلا و ظاهراً هم همین است ولی تا این درجه رئیس يك پارلمان نباید ظاهر بین باشد ، زیرا چون بکلیات پارلمنتری نظر نایم معناً غیر از این به نظر میرسد ، در پارلمنتهای دول مشروطه بین یکی دو سال شاید مسئله طیلی اهمی پیش آمده يك مجلس سری انعقاد نمایند ، ورنه جمیع مسائل را علناً موضوع بحث قرار میدهند ظاهراًست ، بر این امر چند قانده بزرگ مرتب است

اول - بحث در مسائل عانی افراد قوم را ترتیب میکنند و مسبق نامور ملك و ملت می نماید

ثانیاً - اطمنان ملت بوکلای خود روز افزون زیاد می شود

ثالثاً - هر مسئله که در مجالس عانی موضوع بحث شود بهتر و بیشتر از مجالس سری تنقیح می شود

رابعاً - لیاقت و کلا و احاطه آنها در کلیات مصالح امور جمهور در مجالس عانی درست بدست می آید ، و در آینده مات صلاح خود را در اختیار و کلا درست ملتت می شود ، اینک گفته شد در سلطنت مشروطه فقط برای وکلا محدود اکتفا نمی شود بدین معنی ، که قبل از هر انعقاد مجلس ما باید در انعقاد ثانوی موضوع بحث شود معین می نمایند ، بدو قبل از آنیکه موضوع بحث آید روزنامهجات بومیه او را مباحث عنه قرار داده حلای می کنند ، و در محافل و مجالس بذریعه اخبارات انتشار یافته بحث از او می شود ، و هرکس هر رطب و یا بسی در آن موضوع به اظهارش می رسد بیان میکنند ، و هر يك از وکلا لابد اخبار میخواهد در یکی از جماع و محافل آمده شد دارد ، ازین رو بدرستی از کم و کیف مسئله آگاه شده قبل از آنیکه آن مسئله موضوع بحث پارلمنت شود تا درجه برای وکلا تنقیح می شود ، از آن بعد هم که در شوریه در او بحث شد باز صاحبان جرأت و ارباب افکار سلیمه بذریعه روزنامهجات مسئله را تحت مباحثه آورده حلای می نمایند ، و چنانچه باید و شاید وکلا از آن مباحثات قانده برمیگیرند ، و اطلاع حاصل میکنند نامدنی بهمین منوال میگردد ، و ارباب حل و عقد در او بحث می نمایند ، تا نوبت قرائت ثانوی مجلس برسد مجدد بهمان منوال مسئله از خارج و داخل تنقیح شده بدست مجاسبان می افتد ، باز هم تا مدتی که نوبت قرائت سوم آن شود اخبارات و صاحبان افکار سلیمه او را تنقیح می نمایند ، در حقیقت وقتی نوبت قرائت سوم رسد آراء تمام مات در او شامل شده خلاصه و اب آرا و کلا میگیرند ، اگر چه رأی همان است که وکلا بکثرت آراء فیصل میدهند ، ولی در حقیقت خلاصه آراء جمیع ملت است ، نه فقط رأی چند نفر وکلا ، بر عکس در مجالس سری که محدود به همان آراء و عقول حاضرین مجلس است ، مسلماً هر مسئله که در مجالس سری فیصل شود غیر منفع خواهد ماند ، چه باعقول محدود او را فیصل خواهند داد ، چه مسائل سریه را هیچگاه نمیتوانند وکلا